



روزنامه کارگران انقلابی ایران - تهران

پیام کارگر

شماره
۷۳
پهلو، معادل ۶ مهال

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال چهارم نیمه اول مهر ۱۳۶۹

گزارش کارسومین

کنفرانس سازمان خارج از کشور

کنفرانس سوم سازمان خارج از کشور بنا برروال سالانه خود در اواسط شهریورماه برگزار شد. کنفرانس سوم از جهت تدارک قبلی، نحوه گردش کار، سازماندهی بحثها و جمع بندی آنها یک نقطه عطف در فعالیت سازمان خارج بشمار می آید. دو ماه قبل از برگزاری کنفرانس پیش نویسی گزارش کار و طرح برنامه سال آینده در اختیار حوزه های حزبی قرار گرفت. سازماندهی دو دور بولتنهای بحث پیرامون این اسناد حوزه های سازمان خارج فرصت یافتند در مجامع عمومی خودجواب تب گوناگون براتیک یکساله سازمان خارج را مورد بررسی و نکاتشان قرار داده و نقاط ضعف و قوت کار را با سبک و وضوح بیشتری دریاوند. پیش نویس گزارشات کمیته خارج علاوه بر اینکه واجد جمع بندی فشرده فعالیت یکساله بود، درحظنرات اکثریت و اقلیت ک - سابق این امکان را فراهم میکرد تا سایه روشنهاي نظرسری موجود در ارگان کمیته خارج در معرفی داوری جمعی فعالین سازمان خارج قرار گیرد. این خصلت گزارشی واقع زمین مناسبی بود تا هر چه بیشتر امکان برخوردار آرا فراهم گردد و تفاوتها در متن آگاهی های بیشتری شکل پذیرد. نکته مثبت دیگر در گزارشات ارائه شده، پیوندزنده آنها نه تنها با برنامه کار قبلی که علی القاد هم باید چنین میبود، بلکه همچنین در ارتباط باخیری از مباحث کنفرانس بود، که بعضا مهم مانده و با خوب دریافت نشده و یا به اجمال فرو گذاشته شده بودند. قرار داشت این امر آن سبتر مناسبی را پدید آورد که درپرتو

آن راستای عمومی فعالیت و نقطه نظرات مختلف حول آن، نه صرفا در محدوده یکساله بلکه در چشم انداز وسیع تری مورد توجه قرار گیرد و افقهای روشنتری را برای تصمیم گیری و نحوه هدایت سازماندهی فعالیت پدیدآورد. بحثها این لحاظ که ترسیم خط آینده را در پرتو تحلیل و تبیین مسائل گذشته رقبزه و تصور عمومی تری از وظایف و مسئولیتها را صیب گردید، به نوبه خود، کلیات از بلوغ و بینش یخته سازمان خارج ما میکند. البته این نکته نیز گفتن دارد که اظهار نظرهایمجموعه در چهار جوب مسائل خاص سازمان خارج محدود نمانند و گستره وسیع تری را نیز دربرگرفت: از بحران سوسیالیسم موجود تا بحران خلیج تا وظایف سازمان مرکزی در قبال این مسائل و ... هرچند این موضوعات، راستای کلی کار کنفرانس را هیچ وجه تحت الشعاع قرار ندادند، ولی در همان حد خود وسیع رویکرد سیاسی مسئولان اعضا سازمان خارج نسبت بسبب تحولات شگرف و با اهمیت تعیین کننده سیاسی در سطح جهان و منطقه است. لیکن آنچه که باید با تاکید بیشتر مورد اشاره قرار گیرآن حس مسئولیت عمیقی است که کنفرانس از خود نشان داد. آنجا که دامنه بحث به وظایف خطیری کشید که در این لحظات حساس پیروزه در رابطه مسائل بحران خلیج در مقابل سازمان ما قرار گرفته است. همدلی و ابراز آمادگی بی دریغ برای باری رساندن در همه زمینه های مورد نیاز سازمان مرکزی نقطه اوج این احساس **بقیه در صفحه ۳**

برنامه اصلاحات اقتصادی در شوروی

(طرح شانلین)

شورای عالی اتحاد شوروی اخیرا از چندین نشست جنجال آسیر، درمؤکتاباره "اقتصاد بازار" در شوروی - ولجرام معان رای داد. پیش درآدمیان رای گیری مباحثاتی بوسه بر سرد و طرح آلترناتیواقتصادی، یکی طرح معروف یونگ آکادمسین شانلین که توسط کمیسیون موهومسری وی تهیه شد. دیگری طرح هیئت دولت شوروی کارآیگلسرف آبالکسین. مسامون سخت وزیر شوروی عرضه شد. صورت گرفت در جریان این مباحثات طرح سوسیالیست توسط آکادمسین مشاور اقتصادی گورباچف عرضه شد که حاوی عناصری از هر دو طرح اصلی است. شورای عالی اتحاد شوروی به پیشنهاد گورباچف، سماحومروری گیری نهایی را مواءم با سه کنسرویگول کرده قرار نداد. آن موعده کمیسیون دیگری به مسئولیت وی، طرح جامعی تهیه کند. ما دراین نوشته به شرح و تبیین زیر می آوریم، در طرح شانلین بر داخله و کمی

میکنیم حتی الامکان بدون وارد شدن در تحلیل دقیق این طرح. اطلاعات مفیدی در مورد آن در مورد مکاتبات عمومی اقتصاد شوروی در اختیار خوانندگان قرار دهیم. مبنای این مقاله اطلاعات مندرج در مجله جوبه چاپ مستوفشاره ۲۵۰ سال میلادی جاری است. برنامه انتقال سریع اقتصاد شوروی به اصول بازار " که توسط کمیسیون شانلین تهیه شده است دارای دو بخش اصلی است. در بخش اول اصول بنیادی و جهات بازسازی اقتصادی تشریح شده و در بخش دوم، برنامه اجرایی زمانبندی شده آمده است. بر طبق آن در طی ۵۰۰ روز نیاز سازی اقتصاد صورت میگیرد. در بخش اول این نکات اصلی آمده است: - تصمیم حقوقی کلمه اشکال مالکیت و کلیه اشکال **بقیه در صفحه ۱۵**

این قصه

سردراز دارد

هشون خون شهید کاشف بور سر حاک سرزمین ترکیه حنک شده بود که مستان نامکار توطئه از طریق ارسال یک بمب باکتی به قصد ترور یکی از رهبران سابق حزب دمکرات کردستان ایران، همسر او را که بجای شوهر هوش پاکت مفکور را باز میکند، به شهادت میرساند و اندوهی ماندگار را بر قلبهای جوان دو دخترش برجای میدهد، و زخمی دایر را نیز بر جان دول شوهرش که سوز اصلی این سو قند بدفرجام بوده است. در ایمن میان البته فقط یک خانواده داغدار نیست، که در سوگ عزیز خود به ماتم نشسته است. بلکه همه بینندگان تلویزیونی سوگ که تصاویر فاجعه مرزبور را به عینه مشاهده کرده اند، سوگه آن کسانی که در تاریخ ۱۳۴۲ سبتمبر در تحلیل از خاطره آن شهید، ما طفل و کل و اشک در شهر، و راهیمیایی کرده اند، و فراتر از این - همه ایرانیان آزاده که این خبر هولناک را شنیده اند، نیز دچار غم و ماتم شده اند. و بر جنبات کارانی که با قساوت نقشه قتل و نابودی دیگران را می کشند نفرت و نفرتسین خود را نشان داده اند، خو بست که انکار عمومی غریبها هر چه بیشتر از ما هست؛ بلند جمهوری اسلامی آگاهش شوند، و بر نامه تلویزیونی سوگ، کاشف هر چند کوچک در این راستاست، و باید گوئید که چهره وزیم خونریز، با هم هر چه بیشتر در اینجا و آنجا افشا شود. اما برای ما که گریختگان از جنم ققیبان هستیم یک مسئله همچنان باقی است:

اینک یک قربانی دیگر! فردا نوبت کیست؟

در برابر این زنجیره ترور همه ما میکنیم؟
خانم عفت قاضی آخرین نفری است که قربانی توطئه شوم و سیاه جمهوری اسلامی شده است. فردا، اما نوبت شماست. فردا نوبت من است، فردا نوبت آن دیگری است. و همسپواری آخری! تا کجا؟ تا جاشکه هیچ تشابه های جرئت نق کشیدن نداشته باشد، تا

بقیه در صفحه ۲

"چنددهه مبارزه"

کفایتگویی رودر برابر رضا مرزبان
در صفحه ۵ (قسمت هفتم)

پیام دفتر سیاسی به سومین
کنفرانس سازمان خارج از کشور

در صفحه ۹

پیام کارگر

نامه‌های از ایران ...

... هوای اینجا چون سابق ابری است و دنیا همچنان بر وفق آغوشه‌ها، ابری که دیری نخواهد پایید تا کانون از قبل جنگ و جنگ‌زدگان مجبورند، اخیراً از قبل زلزله و زلزله‌زدگان، «مربازان تهران و شیران جزایر» از سبب خارجی فراوان دیده میشوند، بخصوص البسه - مردم میگویند همه اینها اهدایی کشورهای خارجی هستند که به جای ارسال به کیلان و زنجان سر از بازارها در آورده‌اند من خود چادرهای «مربازان تهران و شیران جزایر» دیدم که به جانب اینست که بدانی هیچ چیز بد بخوری به زلزله - زدگان نداده‌اند، کمک به این افراد همان چیزی است که مردم مستقیماً به ایشان داده و می‌دهند، «چوب تیراج زدن بر تن و دختران زلزله زده نیز شروع شده است - درست به همان شکلی که با نهضت گذشته‌ها در جنگ و جنگ‌زدگان برخورد میشد، در بین زلزله زدگان اول می - خوردند، «لقمهای چرب» برای «میته» جویند.

... گرانگی نیز دعات از روزگار مردم در می‌آورد. فحشا نیز زیاد است، حتی زیادت و علی‌تر از زمان رژیم شاه. در قم تواء عبدالنظیم تعداد «میته‌ها» فراوانند، چه بسا نهضت شاعران نیز برای گذران زندگی تن به کیسه می‌دهند، حال خودت مشق قاجاره گرانگی و کرسنگی پنهان را حس بزن.

... بیکری و بیبند نیز دوباره زیاد شده است. هر کس سابقه فعالیت سیاسی داشته باشد دوباره فراخوانده می‌شود، بسیاری را چند ساعت بعد مرخص میکنند ولی در این میان کسانی نیز ماندگار شده‌اند، علت دستگیری معلوم نیست رژیم هم میترسد و هم میترساند از جماعت خوشان را نیز زیاد دستگیر کرده‌اند، حتی اسلام سردارانی را گرفته‌اند و اوق قدرقدرتی در تهران بزرگ بود و عضو هیئت اجرایی جامعه روحانیت مبارز و یکی از چهار مسئول این جامعه در تهران و پیش‌نماز مسجد جعفری گمشا، «حرم خاتم اهل‌بیت» بوده است از همین طیف شخص دیگری بنام محمد نظیمی دارای دفتر ازدواج وطلاق در یوسف آباد دستگیر شد. و قبل از اینها عبدالرنا حجازی و برادرش عبدالرسول حجازی نیز دستگیر شدند، عبدالرنا اعدام می‌شود، روحانی دیگری به نام آل اسحق از مجتهدین ششروق تهران را به بهانه مخالفت با مضمون نامه خمینی به گورباچف و انتشار رده علیه آن، که فلا دستگیر کرده بودند، اخیراً پس از یکسال آب خنک خوردن، خلص لباس کرده و با این التزام که تهران را ترک نکند، آزاد می - کنند.

... جماعت کتابخوان رویه فزونی است و کتاب‌باب خوب بیش از چند روز در بازار نمیماند، می‌شتری می‌خرد و بیا اینکه عده‌ای می‌خرند و در آنساز می‌فروشند تا بعداً باریس بزرگه از چاب در آمد، دست‌اندرکاران چند تقدسه این کتاب نوشتند، نتیجه آن شد که این کتاب نه تنها دیگر در دسترس کتابفروشیها یافت نمیشود بلکه همه در جستجوی هستند تا حداقل امانتی هم که شده آنرا از کسی بگیرند و بخوانند، همه چیز رژیم دارد بر شد خودی تمام میشود، کتابهای علمی را در نزارهای با لاج میکند و چون در کتابفروشیها خریدار ندارند، به کامیخانه‌های عمومی می‌فروشند و در مقابل کاغذ در اخبار انتشار اینها نمیدانند و ...

اما میشود اعتراضی علیه سیاست ترور را کاتالیزه کرد - حداقل میشود در طبخای همگون چنین کرد: پس در کام اول باید هماهنگ عمل کنیم. اقدامات جداگانه انرژیها را هز میرسد، لیکن در حرکت دستجمعی انرژیها ذخیره شده و در موقع مناسب کارائی بیشتری خواهد داشت. ما خود ستار در اینچنین همکاریهای دراز می‌کنیم. در عین حال منتظر همکاری مورد نظر هم نباید باشیم، چون سهرحال اینچنین همکاریهایی تا تحقق نپذیرد، نیاز به زمان دارد، پس فرصتها را نباید سوزاند. و به دشمن نباید مجال داد تا نرسد دیگری وارد کند. فعالین سازمان ما و همه آنهاشکبه که اهمیت مسئله واقفند باید بی‌ترنگ دست به کار شوند. سازماندهی انگسال چنانگون مبارزه علیه سیاست ترور رژیم جمهوری اسلام - می در خارج از کشور باید در دستور مرم و فوری همه تشکلهای مخالف، سازمانها قرار گیرد. راههای عملی همکاری مقدور و ممکن و شوههای موثر افشای سیاست جنایتکارانه رژیم بویژه در رابطه با افکار عمومی کشورهای میربان باید مورد توجه باشد. ما از هر ایده و پیشنهادی که روشنائی بیشتری به پیشبرد اینس مبارزه می‌تواند استقبال کرده و در صورت لزوم آنسرا در نشریه پیام کارگر بازتاب خواهیم داد.

جمهوری اسلامی بر مویض تمام سیاست ترور در خارج از کشور همانگونه که در داخل کشور، همچنان پای می‌شرد، پس این قسه سر فراز دارد. ما چه می‌کنیم؟

ادما ز مفتحه!

چاشیکه همه تاملین، ماست‌ها را گسه کنند و بسان بهره های رام و آرام و زبیر آفتند و آخته‌هت بروند، آخته‌هت سببند و بگزارند در سرزمینی سویمت ایران، جانوریان در هیئت آدمیان مال و جان و عرف مردم را بغارت برسد! هدف جمهوری اسلامی از ندادوم ترور مخالفین خسود در خارج از کشور رؤس است: ایجاد جورعب و وحشت در میان عهوف ابورسومون (و این سیاست را بی خواهدند گرفت، تردیدی نیست، تردید نیست! خوب اگر مسئله تردید بردار نیست، پس ناسند اقدامی کرد، اقداماتی، اگر به لیبست ترور شدگان در اسن سالبنا نظر انگتند، خواهدید دید گسایند، ترور شده‌اند از گروههای مختلف ابورسومون بوده‌اند، بی‌شک آنها - از تفرقه عهوف ابورسومون اطلاع دارند، بی‌شک «تازک» اندیشناشان «میشرم»، از آفت گروه مداری فرقه‌ها گانهی دارند. میدانند که هر مل، تروروستی، اساناعاترانشات فعالین آن سازمانی را بر خواهد انگتند، که فرد ترسور شده وابسته به آن سازمان بوده است، پس شاخه‌ها را جدا جدا از هم راحتتر میتوان شکست. این است که جدا جدا از این پای آن سازمان، بلغمه خود را انتخاب میکند و سره و را فرود می‌آورد، غرض ما آن نیست که ابورسومون یک تن واحد شود، چنین چیزی نه دشمنی است و نه درست است.

در ارتباط با ترور ناجوانمردانه خانم عفت قاضی



خانم عفت قاضی همسر یکی از رهبران نهضت مقاومت خلق کرد، قربانی یک ترور ناجوانمردانه شد. بمبی در صندوق بستنی او گذارند، برای آنکه همسرش را به قتل برسانند اما او بجای همسرش به شهادت رسید. اگرچه مغارت جمهوری اسلامی در این جنایت هولناک انگار کرده است، اما اقدامات ترور رستی وسیع جمهوری اسلامی در خارج از کشور در چند سال اخیر، کشتار رهبران خلق کرد در انریش، قبرس، عراق و ترکیه، کشف بخشی از توطئه‌های شبکه وسیع ارتباطی سفارت رژیم اسلامی در کشورهای مختلف و ... سفارت جمهوری اسلامی را در انتظار همه در جایگاه منتهم ردیف اول می‌نشانند، بویژه که بحران خلیج، افکار مردم جهان را متوجه خود کرده است و جمهوری اسلامی هرگز چنین موقعیت‌هایی را برای بیکری توطئه‌های کثیف خود از دست نمیدهد.

مقامات مسئول سوئد:

شما گفته بودید که هیچ مانع اخلاقی در راه گسترش روابط ایران و سوئد وجود ندارد! این هم بسکه مانع اخلاقی دیگر!

- اگر گروه‌های دستجمعی زندانیانی که بدون محاکمه اعدام میشوند کافی نیست!
- اگر سنگسار کردن زنان در خیابانها کافی نیست!
- اگر اداامه یک جنگ هشت ساله که یک میلیون قربانی بجای گذارد در حداقل در چهار سال آخر رژیم اسلامی مستقیماً مسئول اداامه آن بود، کافی نیست!
- اگر آواره کردن میلیونها ایرانی از وطنشان کافی نیست!
- اگر اقدام به ترور جوانان ایرانی در حین تظاهرات روز قهر در میدان مرکزی شهر استکهلم کافی نیست!
- اگر ترور بی‌بند همه غلام کامروز کافی نیست!
- آیا قتل زن سنگباهی که از شما تاملین خواسته بود هم کافی نیست تا راول در مظان اتهام قرار دهد!
- آیا وقت آن نیست که سفارت جمهوری اسلامی ایران را که به لانه جنایتکاران تبدیل شده مورد تعقیب قرار دهید!
- ما نحن محکوم کردن آن جنایت کثیف و تسلیت به خانواده آن شهید و بویژه همسر خانم عفت قاضی باریگر از مقامات و ارکانهای مسئولین در سوئد می‌خواهیم به تحقیق جدی در مورد نقش سفارت جمهوری اسلامی در اقدام ترور رستی نیز برداشته و با سندن سفارت رژیم اسلامی ایران مانع آن شوند که عمال رژیم ایران همه قوانینس دمکراسی را در جهان به سخره گرفته و این جنس آزادانه دست به جنایت بزنند!

سازمان کارگران انقلاب می‌ایران (راه کارگر)

واحد استکهلم

۹/۶/۱۹۹۰

گزارش کارسومین

کنفرانس سازمان خارج از کشور

ادامه زمه ۱

همبستگی سازمانی بود.

کنفرانس با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام شهید راه آزادی و سوسیالیسم، و با یاد جنبان خفگان زلزله اخیر شمال ایران کار خود را آغاز کرد. در روز اول ۸۰ نفر مسدود نمایندگان با رای قطعی در کنفرانس حضور داشتند؛ بقیه نیز در روز دوم توانستند خود را به کنفرانس برسانند. بنابه روال هر ساله تعدادی از فعالین سازمان خارج با رای خودتبی به کنفرانس دعوت شدند، بدون اینکه برای آنها از کنفرانس تقاضای رای قطعی شود. تعدادی نیز از سایر سازمانهای تشکیلات با سه عنوان میهمان دعوت شده بودند. از جمله حاضرین در کنفرانس، نماینده دفتر سیاسی سازمان بود - پیوسته - تشریفات اولیه، پیام دفتر سیاسی به کنفرانس فرانکس کردید. آنگاه بحث پیرامون آئین نامه و چگونگی گردش کار مورد بررسی قرار گرفت. در بحث پیرامون آئین نامه، برخی مواد که ناظر بر چگونگی انتخاب نمایندگان سازمان خارج برای حضور در کنفرانس به شیوه قدیم گردیده طیف وسیع تری از نقطه نظرات رفقای عضو باشد، و همچنین نحوه مشارکت آن بخش از فعالین سازمان ما را در مباحث کنفرانس که ملائمت مختلف در دهه های گوناگون هواداری فعالیت می کنند، چگونگی تلفیق از تصویب اعتبارنامه ها و یکی دو مساله دیگر نظرات و مطالب ارزنده ای مورد طرح و بررسی قرار گرفتند. اما از آنجا که فرصت برای پرداختن به همه این مسائل موز چون نبود و هم اینکه بعضا مسائل جنبه عمومی تری داشته و میبایست تدارک کافی برای برخورد نظرات فراهم شود، کنفرانس بر آن شد که روند تا کنونی را مورد تصویب قرار داد. و موضوعات مورد بحث را به وقت دیگر میگویند. در این لحظه کنفرانس با انتخاب همبستگی ریشه کار خود را ادامه داد.

در زمینه چگونگی گردش کار دستاورد مهم این اجلاس تصویب پیشنهاد یک، پنج سابق مینی بر دگرگون کردن شیوه پیشبرد بحثها بود. در گذشته به هر سخن چندانکه قرنی اختصا داده میشد و طی دو روز بحث در اصل، میبایست موضوع خاتمه مییافت و جمع بندی و رای گیری میشد. صرف نظر از اینکه معمولاً وقت مورد نظر، کفاف ادامه بحثها را نمیداد و به تمدید زمان بحث منجر میشد. این بار هم داشت که بحثها به خوبی بخته نمیشد و تقاضای بحسبورت میهمان فرمول بندی میشد. در این کنفرانس این شیوه کنار نهاده شد و بجای آن، در روز اول همه محورها ای اساسی گزار شد و طرح برنامه ها را زمان بندی مین در دستور بحث قرار گرفت. سپس در پایان روز اول ۶ کمیسیون از میان اعضای کنفرانس گزین شدنتا بر اساس جبهه ای انجام گرفتند، عرضه نمایندند عقوبت در کمیسیون اختیاری میباید اما مسئولین آنها را، کنفرانس انتخاب کرد. با اتخاذ ایسن شیوه کار کمیسویی، کارکرد عمومی پیدا کرد و بخشی از ساخت کنفرانس گردید. تا عملا روز دوم کمیسیونها در کار جمع بندی بودند. سپس اجلاس کنفرانس تشکیل شد و مسئولین کمیسیونها به سویت گزارشی کار خود را دادند. پس از گزارش مسئول هر کمیسویی مجدداً دو روز بحث حول هر یک از محورها صورت گرفت و رای گیری شد. با

این شیوه کنفرانس توانست در زمانبندیهای کمابزیس مقرر شده بود کار خود را پایان دهد. ضمن اینکه بحث ها بخوبی جریان یافته و بنحو مناسی سایه روشنهای نظری مشخص شده و رای گیری بر سر هر یک از مطالب با آگاهی از چندون آنها صورت پذیرفت.

اولین سندی که مورد بحث قرار گرفت گزارشی سیاسی بود. در این زمینه کنفرانس با نقد صوریسه کنفرانس اول در رابطه با ساخت گزارشی سیاسی ایسن امکان را فراهم آورد تا در سالهای آتی کمیته خارج مجبور نشاید همان موضوعات و مطالبی را مورد توجه قرار دهد که معمولاً گزارشی سیاسی کمیته مرکزی به آنها میرساند. از این روکنفرانس تصویب کرد که: ۱- در تئوری گزارشی سیاسی باید از فرمالیسم رایج در دو سال گذشته برهیزر کرده و در عین حال از درغلطیدن بسه محلی گیری خودداری شود. ۲- برای تأمین این هدف گزارشی باید از مهمترین مسائل مطروحه در محیط فعالیت کنفرانس سیاسی سازمان درباره روندهای بین المللی به نتیجه گیریهای عملی درباره فعالیت نیروهای سازمان خارج برسد. ۳- با این شیوه فرمالیسم در ساخت گزارشی ویدئوگرافی در ضمیمه ۱ آن جای خود را به تحلیل همه آن اوضاع و احوالی میدهد که در منطقه فعالیت سازمان خارج بستر و زمینه اتخاذ تائیکتیک و شعارهای مناسب برای هدایت فعالیت را امکان پذیر میسازد.

گزارشی شامل جریوهای ۱ تحلیل بهترین سازمانهای رندهای تحولات جهانی، ۲ انعکاس مسائل ایران در سطح بین المللی، ۳ مسائل مربوط به مهاجرین ایرانی، ۴ گروهیهای سیاسی ایران در خارج، بود. کنفرانس با اصلاحات جزئی گزارشی سیاسی را مورد تصویب قرار داد.

گزارشی سیاسی در بخش مربوطه مهاجرین ایرانی یاد آوری کرد که: «ملازم بر وضعیت سخت بنامندگان ایرانی در ترکیه و پاکستان که همیشه موجب نگرانی ایرانیان شده و بر سایر آن، خصوصاً موافقی که این سختی گشته میگرد و با خطر فوری استرداد بنامندگان مقیم ایسن کشورها را تهدید میکند، واکنش نشان میدهند. جنبیست مهاجرین و بنامندگان مقیم سوئد علیه محدودیتهای وضع شده در اینباره و خطر استرداد بنامجهویان بسه کشور مبدأ، قابل ذکر است. ایرانیان مقیم سوئد همسرا سایر مهاجرین و بنامندگان و با همکاری نیروهای احزاب مترقی ما، در صورت کمیتله های اقدام مشترک بگرفته اعتراضات تحریک تحمیل و تظاهرات ترتیب دادند.»

گزارش در اتمه توضیح مدهد: «که اگر از تظاهرات سیاسی که در ایالت نیبرزاکسن آلمان در فدراسیون از حقوق بنامندگان شکل گرفت، بگردد، در سایر کشورها مسائل مربوط به بنامندگان چندان حاد نبود. ما نفسی وضع متعاقب همان تحلیل سال گذشته مینی بر تئوری وضعیت بنامندگان و مهاجرین و مسفر شدن آنها در مسطها است. همچنین گزارشی تصریح میکند "از سیمترسی فعالیتها که مکانها با استقبال ایرانیان رومرو میشوند فعالیتهای فرهنگی است. گروههای هنری و ادبی که از ایران و اروپا و آمریکا سفر کردند با استقبال زیادی رومرو شدند، که این خود بصورت بسک

آلترناتیو در مقابل فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی که سابقاً بطور عمده از جانب ایزوسون مستقر در خارج سازمان مسافت درآمد." گزارش با اشاره بسه "روند استقرار و هویت مابی اجتماعی که بحسبورت تحصیل و تلاش برای سدا کردن شغل خود را نشان میدهد". در عین حال تاکید میکند "از نظر سازمانی مهاجرین ایرانی صبح پیشرفتی در این دوره مشاهده نشد. در نگرار با مابی این سخن آمده است: فعالیتها برای شرکت ودخالت در سازمانی مهاجرین نسبت به وضعیت عمومی مهاجرین مناسب نبود. ۲۰۰۰ و نتوانستیم نقش قابل توجهی داشته باشیم."

گزارشی سیاسی در بخش "انعکاس مسائل ایران در خارج" چنین آورده است: «برگه خمینی یک همچسب زعمای در محیط خارج پدید آورده و بدنیال آن نوبجه عمده ای را به مسائل داخل کشور و از جمله تفکرات در دستگاه دولتی جلب کرد. در همین زمان و با انتخاب رفسنجایی وزیر فشار قرار گرفتن "حزب الله" و سازماندهی جنبه روی در حکومت، گرایش طرفدار استتاله در حکومت و ترمش در مقابل آن را یکبار دیگر فعال کردند اما پاسخ تئوریستی حکومت اسلامی که در تئوریچهره های متفاوت ایزوسون خود را نشان داد آب سردی بسر روی عزمات آن بود. ۲۰۰۰ تئوروا هشدار صهی به همه سازمانهای سیاسی بود که رژیم ملایم در فرانسوی در سطح بین المللی به اقدام علیه ایزوسون و مرکوب آن - کالینوویچ است. ۲۰۰۰ همه ایزوسون در رابطه با مسائ این سفر نتایج آن سنج شدند. کمیتله گف سازمان ما از اولین نیروهای بود که در اینباره دست به اقدام زد. ۲۰۰۰ بظلمات ماطی نامه ای به زبانهای مختلف از اخبار همه نبروهای خارجی مرتبط قرار گرفت. ۲۰۰۰ بک اعتقاد غذا در زمان سفر کالینوویچ به ایسبران در شهر فرانکفورت سازماندهی شد که انعکاس خوبی به زندگی که ما به جوانب محافظه کارانه گزارشی کالینوویچ بدادند. مینی که ایشان با مابشر اسامال جعدا به ایران میروند و ما باید از هم اکنون در این رابطه فعال شویم.»

برخشی گزارشی تشکیلاتی مسائل بیامرسی به بحث گذاشته شدند. از جمله آنها مسئله زنان بود. در گزارشی تشکیلاتی در اینباره آمده بود: «ما باید نقش بیشتری در تحریک بحثی به جنبش زنان ایفنا کنیم. برای اینکار ضروری است که در کمیته خارج بطور مستقل حول مسئله زنان خمرکز بودید آید. و یکی از ضمیمهین تقسیم کار محسوب شود. علاوه بر این با توجه به نقش فعال زنان در سازمان خارج و کمیت قابل توجهه آنان زمانه است که در صد معینی از اعضای کمیتهه خارج از زنان باشند." بدون اغراق، این مسئله چندان به یک بحث داغ در کنفرانس تبدیل شده که ناگزیر برای ادامه بحث مجبور به تمدید وقت شدند. اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان به اهمیت طرح مسئله راههای مبارزه با ستمهای مردسالارانه در تشکیلات سخن گفتند. اما در این میان آنچه که حائز اهمیت است نقش زنان رفقای روزی در جرات حوزهها آنگاه که پیش نویس اسناد ایران مورد بحث قرار گرفتند، چه در جلسات کنفرانس در پیشبرد این بحث بود. باید گفت برای اولین بار در سازمان خارج مسئله زسان عقبه در صفحه ۴

ادما ز صفحه ۳

بطور جدی مورد توجه قرار گرفت و برای مبارزه با سنن عقب ماندگی تهروری تازه‌ای آزاد شد. در برابر سربازان پیشه‌باز کمیته خارج خطرگاه دیگری نیز طرح شد. این نظرگاه ضمن دفاع فعّالانه از جنبش زنان و اعتقاد به شرکت عملی فعال در آن، با هرگونه امتیازدهی نابجا که موجب خسران درمخت‌گیری حرکت و جنبش زنان باشمخالفت کرد، نظرش را بدینگونه به کنفرانس عرضه کرد: زنان بر اساس توانایی یکسان در اولویت قرار گیرند، یعنی بین زن و مرد با تواناییهای مساوی به رفیق زن اولویت داده شود. این نظر البته برای کنفرانس را نتوانست با خود بماند یک مویسه همراه داشته باشد. ولی در روشنایی افکندن به جوانب کوناگون بحث مربوط به زنان مهجور دیگری ضمن تصویب پیشنهاد کمیته خارج نیز با هرگونه امتیازدهی کنفرانس به اینگونه: " تلاش در جهت با بین‌بردن ساخت مردسالارانه تشکیلات منجمله از طریق قرار گرفتن تعداد بیشتری از رفقای زن در سطوح مختلف مسئولیتهای تشکیلاتی "

مسئله دیگر در بخش تشکیلات تصویب طرح کمیته‌های کشوری بود. در گزارش تشکیلاتی با تقدیم‌های خود کارخانه که به کمیته خارج تحمیل می‌شود و شرایط این نقد با ساخت سازماندهی نیروها در خارج از کشور پیشنهاد ایجاد کمیته‌های کشوری در کشورهای گوناگون جنس امکانی وجود داشته باشد. در طرح کمیته خارج جنس آمده بود: از آنجا که انتمال مستقیم حوزه‌ها به کمیته خارج بار سنگین خرده‌کارانه‌ای را به کمیته خارج تحمیل کرد، و آنرا از تمرکز حول خطیاست. گزارا نه مورد نیاز منحرف مسازد، و از آنجا که در دوره بحرانی کنونی تمرکز روی مضامین سیاسی و ترویجی اولویت جدی پیدا کرده است، محطوب است که کارهای اجرائی از هر نظر و آنجا که مقدور باشد از منظر عدم تمرکز تعمیم کند. و نیز از آنجا که حوزه‌های بسزرگ در دو سال اخیر با مشکلات وسیع در رابطه با هدایت نظارت و جمعیت فعالیت و همچنین با مشکل نسنسهای بجام عمومی روبرو بوده‌اند و برای حل این مشکل راه‌حلیسی انشیده شده و اجرا شده‌اند که ناسی با طرح عمومی سازماندهی داشته و از یک منظر آشناترین شکل حوزه‌ها و کمیته‌های شهری بیرونی کرده‌اند. و باز آنجا که کارهای خارج دارای کارهایی است که عموما در شرایط کارهای روزمره محسوس هستند و امکان استفاده از انرژی آنها در اول وقت مشکلات عمومی سر ازمان خارج موجود نیست، پیشنهاد می‌شود: " با اداام این مقدمه طرح مشخص ایجاد کمیته‌های کشوری و اصلاحات ضرور در ساخت حوزه‌های شهری آورده می‌شوند. کنفرانس با اکثریت بسیار بالای به طرح مذکور رای سدهد.

در نتیجه این تصمیمات به خانواده شیدا و زندانیان سیاسی قطعنامه‌ای توسط عده‌ای از نمایندگان به کنفرانس ارائه شد. کنفرانس حول این موضوع ستن از بسک ساعت به بحث و بررسی پرداخت و ادها و طرح‌های مختلفی بیان شد. در پی مسامندگان کنفرانس اراط و در نظر گرفتن مشکلات و مسائل اس دسنه از رفقا خانواده. هایشان را با اهمیت تشخیص دادند. در بیان مسامند نماینده دفتر سیاسی سازمان که عنوان ناظر در کنفرانس

نس حضور داشت، عنوان کرد که سازمان مرکزی بویژه به اس خانواده شیدا و زندانیان سیاسی توجه اکید دارد و سبه همین لحاظ کمیسونی را مامور رسیدگی به وضعیت خانواده‌های شیدا کرده است. ولی بدلیل مشکلات مالی، سازمان نمیتواند به تمامی تعهدات خود پاسخ شاست. ای بدهد. ضروری است که هماهنگی تاکنونی سازمان مرکزی با کمیته خارج نتگانتگر کرده. محتضای ناما. بنده دفتر سیاسی با تاشید نمایندگان کنفرانس همراه بود.

در بخش امنیت گزارش چنین آمده سسود: جمهوری اسلامی در خارج نیز در عرش سال گذشته ساسات سنگین و تهدید و تعرضی و تروار مخالفان و یوز سسون سیاسی خود را همچنان دنبال میکند و موفق سست هست. جزیکه نه دولتهای غربی تصهدات لازم وساسات های جدی و کارائی را در فعال نقشه‌های این جمهوری سز و شقاوت از جیت مقابله و محدود کردن آن نقشه‌ها از خود نشان میدهند. هنوز اوزسیون که سوزه این تصهدات است با حساسات و هماهنگی بر خورده می‌کند. از ابرو جمهوری اسلامی باندا اطلاعاتی خود را با فراغ بال تکمیل کرده و در موارض ضرور فرسبه‌های کاری نیز وارد میکند. آنگسناه کنفرانس شوهه‌های کار جمهوری اسلامی در خارج از طررح کرده و ساساتشاهای لازم در خورود با آنها را پیشنهاد می‌کند. کنفرانس با درک حساسات مسئله محسوسه‌های در جهت اجرای موکد رهنمودهای کمیته خارج نیز ساسار میکند.

در بخش تدارکات و مالی گزارش روی مشکلات توزیع نثریات سازمانی متمرکز شده و علل آنرا سنا تفصیل تشریح کرده و راه‌های حل آنها را پیشنهاد نمود. کنفرانس با تاشید آنها، در عین حال قطعنامه‌ای را از تصویب ید گذراند که بناسر آن با تاشید بنگاهی کردن سبستم توزیع به از سال قبل به اجرا درآمده، روی انقبساط برداخت فروش سهمیه حوزه‌ها، قطع سهمیه حوزه‌های بدحساب و تسویه بدهیهای سابق تاکید نمود. در همین بخش کنفرانس، گزارش کمیته‌های خارج از روی جنبه‌های متنوع توزیع نثریات سازمانی سازماندهی جمع‌آوری کیکهای مالی و ۰۰۰ مورد تاشید و تصویب قرارداد. در عین حال تصویب کرد که تلاشهای جدی‌ای در جهت تحقق مدرنیزاسیون فنی و تکنیکی اشکالات با هدایت متمرکز در سطح کمیته خارج و حوزه‌ها بعمل آید.

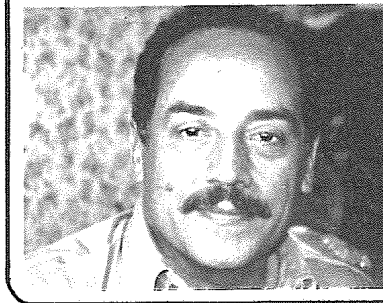
در رابطه با بخش تبلیغ و ترویج و آسوسوز، کنفرانس با تاشید کلی گزارش محسوسه‌ای را مورد توجه و تاشید قرار داد که فشرده مطالب تبلیغی این بود که در گزارش مذکور آمده بود: " این ضروره جنس است سنا توجه به: الف- انت فعالیت سیاسی در میان نیروهای سیاسی و مهاجرین پ. به بن سست رسیدن اشکال قدیمی تبلیغ سازمانی (۱۰۰۰)ح. بی. نتیجه بودن تبلیغیات آگسوسی. د. ویا توجه به خط جدید سازماندهی و استقرار نیروها در محطکار و تحمیل کنفرانس معتقد است: ۱- اشکال و مضامین تبلیغی مساسستی مناسب با شرایط تغییر داده شود. ۲- تبلیغات نوده‌ای در میان ساسات جرس سنا عسندگان و دسگر تشکیلهای نوده‌ای مورد تاشید فرار گسردن. ۳- سوهه‌های تبلیغ در تشکیلهای تسوهه‌های مساسستی همکار سنا ساند. ۴- راه‌اندازی مراکز محصل محسوسه‌ای و تعاملت فرهمگی و دسری در آسوساسا. د. سزگ در تراسو و جنبه‌های نوده‌ای فرهنگ سیاسی مدی. عسک گ. سلسله. ساسی در اس حسسنا. تعاملهای اسناتی. کنفرانس در مورد اشکال متنوع تبلیغ

نیز بمویبه‌ای مادر کرد. درباره ترویج محسوسه کنفرانس چنین است: کنفرانس به اهمیت ترویج در مورد مساملس مربوطه به بحران کشورهای سوسالیستی و تاثیرات آن در رابطه با انقلاب ایران تاکید دارد و اضافه میکند که کمیته مرکزی سازمان سیاسیاتی به این مسائل با سسخت داده. واحدهای سازمان را از طریق کمیته خارج حول بحث روی این مسائل و آسوز آنها فعال نماید. در این مورد به برگزاری محافل سمینارها و سولسنتهای تشویک و نواره‌های آموزشی و غیره تاکید میکند. در عین حال کنفرانس ر وی تشکیل محافل مطالعاتی مرکب از اعضا و هوارداران و دیگر نیروها گزارش و پیشنهاد کمیته خارج را تاشید کرده و آنرا تصویب میکند.

گزارش در بخش روابط خارجی و بین‌المللی، راستاهای عمومی فعالیت ما در یکسال گذشته را بدیوی تصویر کرده و بیلانی از فعالیتها را ارائه نمود. در این گزارش آمده است که: نکته مهم در فعالیت بین‌المللی آست که علیرغم یکسیر دس بیشتر رفقا در زندگی اجتماعی هنوز خط عمومی فعالیت در این حوزه‌های سیاسی است " سساعت عطف به بیرون " و گسترش و تاسمین رابطه توسط همه رفقا با محیط و نیروهای کشورهای میزبان. در حد لازم مناسب پیش نرفته است " در عین حال کنفرانس با نقد عدم هماهنگی در کار سهمیه خارج سساعت تصمیماتی در جهت سازمان دادن تبادل تجربه و همچنین پیشبرد سیاست استقرار ارتباط با محیط در دستور کار کمیته خارج گذاشت. کنفرانس تصمیم در مورد سسوهت و کیفیت انتشارات به زسبهای خارجی را به عیسوهت کمیته‌های خارج در حال تاسیس گذاشت تا هر کمیته سسته به توان واززیابیهای خود در این زمینه اقدام کند. آخرین سند مورد بحث طرح پیش نویس برنامسه ارائه شده به کنفرانس بود. طرح مذکور با اصلاحاتی به تصویب رسید. برخی از رزئوس برنامسه را ما در سسوه پیشین توضیح دادیم. از جمله مسئله تشکیل کمیته‌های کشوری و مسئله زنان. مسصترین بند برنامسه محسوب تاشید روی اولویت بندی در سساده فعالیت در سسال جاری بود. برنامسه اصمال بر مبنای یک ساخت اولویت سسوه دوگانه استوار است. ما در نرشته بعدی درباره این سسله صحبت خواهیم کرد.

س از بیان بحث روی اسناد کنفرانس تصمیم گرفتند تا با سسبهای را خطاب به " خانواده شیدا و زندان بیان سیاسی "، اعضا و هوارداران سازمان " و سساهد جرس و سساهدگان ایرانی " منتشر کنند. آنگاه یکی از اعضا عیث رفیق به نمایندگی از جانب عیثت جنبه کنفرانس سخنان کوتاهی ایراد کرد. او ضمن تقدیر از برخورد های مناسب و رفیقانه نمایندگان کنفرانس را در سسبها مبتن از زیبایی کرده و آنرا پایه‌ای برای شرکت مؤثرتر و وسیعتر در کنفرانس آتی سازمان تلقی کرد. در عین حال او سسوه جدید کردنی در روی کنفرانس را مفید اعلام کرده. شوهه‌ای که امکان دادنا کنفرانس با بخشهای کافی و متمرکز در زمان تعیین شده به کار خود خاتمه دهد. او اضافه کرد که اس کنفرانس سسجهت نقد و جایگاهی که نمایندگان زن بطور فعال در آن ایضا کردند و نیز جهت سسویات با اهمیت که درباره زنان در تشکیلات ما و سخن آنان در فعالیتها بیرونی گذراند یک نقطه عطف مهم در فعالیتها ما بحساب آرد. در بحث خاتمه کنفرانس سوم سازمان خارج کنفرانس برخاستن نمایندگان و خواندن سرود انترناسیونال سساستهتای کرده بود. □

چند دهه مبارزه



گفتگویی رودر رو

بارضامرزبان

«۷»

دربار رفته و با شاه صحبت کرده و اجازه گرفته و عهدنامه شده که یک حزب سوسیالیست، حزب سوسیال دمکرات در ایران تشکیل بدهد بجای حزب مردمی که الان هست و روشنفکرها را در آن جذب کند و الان دست بکار تدارک حزب است. جاهانی که او نشان داد خبرنگارهای ما رفتند و شواهدی بدست آوردند و همین که مطمئن شدیم در ستونی بنام "بی بی" در حائصل سیاسی روزنامه مطرح کردیم که آقای خلیل ملکی به حضور شاه رسیده و اجازه تاسیس حزب سوسیالیست - دمکرات گرفته و محلی را هم که قرار بود کسب حزب بشود نام بردیم. خبر که بی بی از موقع منتشر شده برزخه حزب بازی بهم خورد.

حادثه تظاهرات مملنان و قتل دکتر خانعلی در میدان پارسان کبیرا... آنگاه شریف امامی سخط کرد و دکتر امینی به نخست وزیری رسید و در کابینه او درخشش وزیر فرهنگ شد. کاری که دکتر امینی کرد این بود که مجلسی را که انتخابات انجام شده بود فرمان انحلالی را از شاه گرفت. در مجلسی که منحل شد، چند نفری مثل الهیار صالح در کاشان، و مهتذبند، مقدم مرغانی از آذربایجان انتخاب شده بودند، و خود شاه در دکتر امینی - به هر دلیل که بود - دکتر مصدق را میدید و هنگامیکه مشاوران گفتند، چرا فرمان انحلال مجلس را میدهند گفته بود، مصدق هم که به مجلس آمد، بگفت بود ولی همان بگفت کافی بود که همه چیز را بهم بریزد. دکتر امینی وقتیکه به صدارت رسید کابینه‌ای که تشکیل داد برنامتان مبارزه بافساد، و اجرای اصلاحات ارضی بود و موج نارضایتی برانگیخته در سطح کشور را از مملنان با تشبیر پایه حقوق معلم از ۱۵۰ تومان به یازدهم تومان آرام کرد. در مورد مصلحت اتحادیه های صنفی مملنان را خلع سلاح کرد و مخالفت آنها با درخشش، با خشونت حکومت نظامی خاموش شد.

دکتر امینی، بیرون مجلس و در تفرات، حکومت را بدست گرفت و در سطح ایران و مدبران، گروهی از شخصیتها پرسوا و بدنام، و صاحب نامها را تحویل زندان و دادگاه داد. سید آزموه، دادسان ارتش، که وزیر دادگستری امینی، "العیونی" اورا "اشمس" ایران لقب داد، و سید کا ریش رکن "سراشکس" فرنام و ارتشند هدایت، اهناج که سالها "میکتاتور بقیه در صفحه ۶

زمانی بود که انبوه مملنان دارای تالیات چپ، دنبال جایی برای تجمع میکنند. درخشش، روزنامه نویسی نمود و پیش از ۲۸ مرداد، روزنامتان را "زین کوب" و "سمعی" انداره میکردند و بعد از کودتا هم "خلیل ملکی"، "انور خامنی" و "اسلام کاظمی" اما، آزتاباتور و اتحادیه ساز بود و توانست با تاسیس شرکت تعاونی (اجرای برنامهای فرهنگی - سیاسی حتی بعد از پایان دوره مجلسی که دیگر زاهدی نبود نااورا و کیسل کند، در فضای سیاسی حضور داشته باشد. (آید می دانید که در دوران اختیاری زاهدی پیش از کودتا، خانه درخشش یکی از مخفیگاههای زاهدی بود) و بعد از کودتا، او به پادشاهی، از تهران وکیل شد.

به هر حال باشگاه مبرگان بصورت کانونی درآمد برای مملنان از آوزنگار و دبیر، که سرپناهی برای حضور و دفاع از حقوق صنفی می‌جستند. اینها پنجاهه خودشان را زیر مال درخشش پیدا کردند و دور او جمع شدند. از جمله مصطفی بیژر - دبیر ادبیات که مرد فاضلی بود که من اورا از زندان لشکر زرعی می‌شناختم و عضو هیات مدیره جمعیت ملکی مبارزه با استعمار بود و مردی سلیم الفی/مبنیانم چطور تحت تاثیر شرایط تسلیم درخشش شد و وقتی که دست درخشش رو شد و شناخته شد و به وزارت رسید بازم با او خاند ولی مملنان شروع به مبارزه با درخشش کردند که دیگر دیر شده بود و تاثری نشانست. درخشش وزیر شد و اینبارا برآکده کرد. مبرحال درخشش از طریق باشگاه مبرگان مملنان را دور خودش جمع کرده بود از مطالبات صنفی به کرد سیاسی نقب زد و برنامه پانزده روز بیکار سخنرانی در باشگاه گذاشت. از جمله سخنرانیهای این برنامه تفراده بود.

دکتر امینی وارد انتخاباتی شده بود، و دنبال راهی مبرفت که دکتر مصدق رفت و جبهه ملکی را پایه گذاشت. پیروز ضمن صحبت با اسلام کاظمی، گفت درخشش خوب راه افاده، چطور است تو که به دکتر امینی نزدیک هستی دست درخشش را توی دست امینی بگذاری - خندید و گفت، بدفکری نیست، از تقاضای بیکارهایی هم دارد میشود. برای من روشن شد که اشتلالی درخشش دارد شکل می‌گیرد. این زمانی بود که به موازات آن یک اتفاق دیگر داشت ماغاند، اسلام کاظمی برای من شرح داد که "خلیل ملکی" چندماه پیش سه

در افشارکوبی انتخابات مجلس، و دامن زدن به مبارزه انتخاباتی روزنامه پیغام امروز، نقش مهمی ایفا کرد. در عین حال به جنبش سندیکائی هم توجه داشتیم. وزارت کار خود در تاسیس سندیکاهای کارگری پیشقدم شده بود، تا سندیکاهای نادر را در ایران بی رقیب کند. در پارسی سندیکاهای عناصر اصیل کارگری فعال بودند و من با سابقه ذهنی و ارتباط علی که با جنبش کارگری ایران داشتم آنها را می‌شناختم. با خیلی زود تشخیص میدادم و به تقویت کار سندیکائی آنها کمک میکردم و آنها را تشویق میکردم. چون حضور سندیکاسی می‌توانست پوششی باشد برای تجمع آنها، از آغاز انتشار روزنامه تا مدتی یک صفحه را در اختیار مسائل کارگری گذاشته بودیم این صفحه بقری زود رشد کرد که منجر شد سندیکاهای آرایگهها در تهران، سندیکای کارگران کافه سرتوتان، سندیکای کارگران نانوا بیکاره جمع شدند در روزنامه و راه روزنامه به محیط کارگسری خوزستان باز شد. در بین این سندیکالیستها کسانی بودند که به اصطلاح سر پناه خودشان را در حزب مردم پیدا کرده بودند تا زیر پوشش حزب سندیکا را به ثبات برسانند و بعد از آنجا کشیده شدند به سندیکاهای مستقل. البته صفحه کارگری، زیاد دوام نیاورد، بر سر مسائل کارگران خوزستان و دیگری با وزارت کار تعطیل شد. اغلب سندیکالیستها فعال را هم طی چند سال بیکار سازمان امنیت دستگیر کرد و زندانی کرد یا مرده، ناگهان مرده یا اینکه بمرحال به ترتیبی از فضای کارگری دورشان کردند بیرونشان کردند. باخطر دارم حتی سندیکای کارگران نانوا کارش بجایی رسید که دبیر سندیکا که با من در زندان بود وزیر کار زیرپایش نشست که به وکالت مجلس انتخابش کند و او زیرپایش نرفت. تا سرانجام بلای سرتی آوردند که سندیکا را ول کرد و رفت در ناریک مغازه نانوایی باز کرد و مغازه دار شد.

درخشش، که در کارگردانی ضدچپ، انجمن لیسانسهای دانشسرایعالی را برده بود، و استازوزیران مبرگان که ارگان انجمن بود نیز از دکتر فخمی به او انتظام پیدا کرده بود، در دوران وکالت، باشگاه مبرگان در دور روزنامه مبرگان تاسیس کرد، و هنگامیکه مبرگان بروزش، اتحادیه فراغ التحصیلان دانشسرایعالی را از او گرفت. او مملنان را، در باشگاه جمع کرد، و این

ادامه از صفحه ۵

سازمان برنامه "بود، از شمار زندانیان بودند که بورژوازی دهانت، کبا، و آزموه به دادگاه رسید و محاکمه شدند. و با این محاکمات، و با انحلال مجلس، در واقع زهرچشم از مالکان بزرگ و خانانهای شریک حکومت، فرستاده شد. و برنامه اصلاحات ارضی، در متن این سروسامانی مبارزه با فساد برای اجرا، مطرح گشت. هر ارسنجانی، وزیر کشاورزی گنینه، در واقع، از سال ۲۴، در سی ایسن برنامه بود و هنگامیکه حکومت ترک و وقایع آذربایجان بود، او لزوم اصلاحات ارضی را که بیش از کوندنای رخشاها هم در برنامه حزب دمکرات طرح شده بود، پیش کشید و در نتیجه، انتشارنامه وکالت او، در مجلس بازندهم با قیام و قعود رد شد. اما حامیان آذربایجانی رژیم، این فکر را دنبال کردند تا جائی که در حدود سال ۲۸ و ۲۹ بود که شاه تصمیم به فروپاشی مملکت سلطنتی گرفت و بانک عمران را برای فروپاشی و جمع‌آوری پول، نامسیب کرد و بانک، اسناد مصادقات انجام شده را نزد بانک ملی سفکاشت و به یل تبدیل میکرد. آذربایجانیان او را تانغ کرده بودند که طبقه کارکنان ایران برای پیشگیری انقلاب که از شرق آسیا پیش میاید، با این تریه هجیات آرضی بدهد، باید از کونده، آذربایجانی دست به فعالیت جدی زدند، از طرف اصل ۴ هجیاتی مایور تحقن روستاهای ایران شد که کالم زرنگار از روزنامه گنیه، که خبرنگاری یک مجله آذربایجانی را هم این زمان داشت، هجیات آذربایجانی را همراهی میکرد و گزارشهای منتهی ازین سطر، ابتدا در پاریتی کوبی و بعد به صورت کتابی، منتشر شد که هزینه چاپش را آذربایجانی داده بودند. "زیربویان" دهانت و روستاهای ایران" و در کتب خیلی وسیعی در ایران پخش شد در عن حال دولت هم در رادیو شروع به اقدام کرد و راشد، خطیب مذهبی که شبهای جمعه برنامه منظمی داشت مدت مدیدی یکسال با بیشتر در سخنرانیهایش تاکید میکرد روی برنامه اصلاحات ارضی و اینکه مالکیت بزرگ و وجود مالکیت صورت موجود اسلامی نیست با ایسن وصف از سال ۳۶ به بعد قانون اصلاحات ارضی، در برنامه دولتی بود ولی مجلس در کمیسیونهای آنرا سی اثر میخواست و تا بنونه نهاد اصلاحات ارضی تبدیل نمیکرد.

زیربنمای که برلسان شرح دادم اصلاحات ارضی شد امی بود که برای ایران اجتناب ناپذیر بود و آنقدر جدی این اصلاحات احساس میشد که خود شاه سمول حکومت مالکیتهای زراعی بزرگ، به آن داده بود. اما منافسانه حسن آذربایجانی ایران در آتریان درک روشنی از مسائل اجتماعی کشور نداشت و فقط بنگش این بود که عو مویج که از دربار مایب با آن بچنگد، و چیب هم در این زمان، به سخطی نار و مار شده بود، در حالیکه شعار اصلاحات ارضی در نرحه اول به حسن چیب تعلق داشت و مانند آذربایجانیان، آنرا از جیب طیف حاکن سرون سفکاشت، سخط باش اش اگهی اجتماعی آذربایجانیان، این زمان آنرا در خارج شان حفظ کرد. که دیده بود، در مورد ملی کردن نفت، بر بود دهجار شده بود، سی انگ فرصت اصلاح انشاه جودمان را بسا کند.

با انجا مساله اصلاحات ارضی را از حائسه

حرکت حکومت بررسی کردم، چون ارسنجانی ترسته که حزب "آزادی" را در سال ۲۵ تشکیل داد اما در کنار حزب دمکرات این حزب کوچک را درست کرد و ترسته که روزنامه نویسی بود اما مسؤل سیاسی حزب دمکرات و ناشر روزنامه دمکرات ارگان حزب دمکرات قوام السلطنه بود و درسته که در مقاطعی مساهای چیب داشت اما کسی بود که در ۲۰ تیر معاون سیاسی قوام السلطنه بود. اما اینکه حزب توده چه برنامه داشت باید بخاطر داشته باشیم که بعد از سال ۲۳ درحال درجالت فریوایش و تا سال ۲۶ و ۲۷ درحال جنگ و گریز و بعد از آن، خابوشی بود، و دیگر حزبی وجود نداشت تا برمود برنامه اصلاحات ارضی، موسغری بکد، ولی تکر چیب، اینجا و آنجا، حتی در میان کسانیکه بمیان کارزند وزارت کشاورزی مجری این برنامه بودند، احساس میهد، آن قسمت از نسل جوان حزبی هم که بطرف جبهه ملی کشیده شدند و تا سال ۴۰ و ۴۱ و ۲۲ در کار جبهه ملی و جناحهای مختلف آن فعال بودند بجای اینکه تشخیص شرایط را بدهند و آگاهانه وارد یک مبارزه بشوند بعملت وابستگی طبقاتی و با بعلمت سرخواری از چیب روی گذشته، سعی کردند فقط دنبال شمار کلی دفاع از آزادی بوند بی اینکه ضرورت تحول احتمالی لازم برای دفاع از آزادی را در نظر بگیرند. در نتیجه دکتر امینی که خود از بزرگترین زمین داران ایران بود، اصلاحات ارضی را در برنامه دولتست گذاشت و شاه توانست وجود خود را که بزرگترین عامل ستم طبقاتی و ستم به دهقانان در ایران بود بعد ۱۸ سال به مردم ایران تحمیل کند.

حرب توده، در طول سالهای سی از شهریور ۲۰ تا سال ۳۲ درجودر اندیشه اصلاحات ارضی بود و این پایه فعالیتهای روستایی حزب بود، اما در سال ۳۹ که موضوع بطور جدی مطرح شد، جبهه ملی که میدان فعالیت بنا کرده بود، نتوانست ازین زمینه استفاده کند. ارسنجانی آرتاتور برطرفتی بود و خود او، آنجا که احساس میشد در سیستم حکومتی دنبال تری جدا نبود برای ایجاد حکومتی منگی به حزب دهقانان - حزب کشاورزان - من این را آنوقت حس کرده بودم و برفعالات مسلسل برنامه امروز در آتریان در عن دفاع از ضرورت اصلاحات ارضی در تحلیلهایم که از وقایع میگذرد. ام شومنی که برای بیشتر برنامه اتخاذ شده بود، انتقاد میکردم و نشان میدادم که با شرایطی که کار دارد پیش میروند کشور نارد به طرف ایجاد یک حزب فاشستی کشاورزان همدات میسود و با توجه به تناصب جمعیت، ناسس چنین حزبی حرکت سیاسی و اجتماعی و مبارزات شهری را تحت الشعاع قرار بدهد. حرکتی کالما در چنینی که ارسنجانی مرتت مشخص بود و شاه در عن اینکه خود را با منافدان و اینجا و آنجا سخنرانی میکردم به دعوات عیروت و سخنرانی میسوزم سداست دنبال چی هست عرجا که ارسنجانی یا از جانبی که داشت بیرون سفکاشت سانسور شاه از طریق سازمان امتد و از طریق وزارت اطلاعات راه داشت. از حلقه دهقانی در دهی در حوالی نهران خواستار اجرای مضمون مجلس درباره لغو سوسات شده بود. در زمانی که اصلاحات ارضی مطرح بود این دهقانان سندی حوام ده اسد، مالک دستور مدهد زاندرما

این دهقان را میبوند به زانرابری و به ستونی با سیم میبندند و آنقدر میبندند که تمام تنش مروج می شود و از عوش میروند و رهایی میبندند. وقتیکه دهقان آزاد میشود بعد از ۳-۲ روز دردمس، او را برای مسالجه میروند به کرخ، از کرخ او را تا پیش وزیر کشاورزی رساندند و ارسنجانی در مساحبه همغنی خود مطرح کرد که زاندرما پشت گوش تیران این بلا را سر یک دهقان آزادند و عکای شبی من مروج دهقان را هم به روزنامه داد. خبر در همه روزنامه ها از تقبول ارسنجانی سخنگوی دولت امینی چاپ شد ولی دراستانه چاپ مطالب دکتر ارسنجانی درباره دهقان و زاندرما سانسور شد، بدستور مستقیم شاه. روشنگرهای شهری در فضای دانشگاه که آن زمان رهبری آن بدست جبهه ملی بود تنها مکانی بود که میتوانستند در آن شرایط نسی ناشی از روی کار آمدن کندی در آمریکا، آزادی فعالیت محدودی داشته باشد و اگر قصد میبندند دارند زیربوش نظامها در میدان جلالیه، میدان اسب دولتی جلالیه بگذارند، به این مسائل بنیادین اجتماعی توجه نداشتند. بایسن ترتیب پایه یک انحراف در مخالفت با رژیم شاه از جهت منافع مردم گذاشته شد که بعد خواهیم دید. کجاست.

در اینجا ننگهای هست که باید تعریف کنیم و خیلی ظریف است وقتی که بحث میسود از کسندی، من و شما نگر میسیم خوب کندی که رئیس جمهور ایران شده بود چه تاغی میبندست روی جزئیات امیر ایران داشته باشد؟ نکته اینستکه آمد و رفت رضی جمهورها در آمریکا آتاری توی روزنامههای ایران میسود بود. دوستی ماشم از رفقای خیلی قدیم که در روزنامه گنیه کار میکرد و در آنزمان در بدنه اکبری روزنامه گنیه با بدنه متحسب روزنامه کار میکرد، خبر شد که او را گرفتند و اتهامی ارتباط با سفارت شوروی است، روزنامه فروش خیابان اسیره را گرفته بودند. روزنامه فروش را شکجه دادم. بودند او اعتراف گرفته بودند که من از طریق این آدم در ارتباط هستم با نامبندی در کارخانه جیب سازی تهران و من در میکم آنرا به دستور میگرد و به من میدهد و من در میکم آنرا به دستور کسی ازاضای سندیهای جیب سازی، مدت ۹ ماه دوست من درزنمان زیر شکجه بود. بعد از آزادی، تعریف میگرد مراحمسل شکجه را و از اطای که از سقف آن شیا نورانکن میانداختند روی او، تا کنترل را از دست بدهد، در انفرادی او احشارهای ناگهانی به انفراد شکجه و انواع شکجههایی بهتن میادند مانند شوك الکتریکی که اعتراف بکند، با وابسته سفارت شوروی ارتباط داشت است. میقت ۹ ماه زین فشار من در بازجویی کردند و من همچنان در انفرادی بودم. بعد از ۹ ماه یکسوز برای مرا بازجویی میادند، یک سرون جیبی آمد و ما س مودبانه رفتار کرد. خیلی میوان و بالبد. بازجویی که تمام شد بهتن گفتن بطورشد که شما اینقدر میروانید و شکجهها را شرح دادم، گفت خوب بر زمانی یک اعتراضی دارد فکر کنید اگر آنزمان هم میامد از آنها بهتر رفتار میکردم. بازجویی، ما به زندان عمومی انتقال دادند و کمی بعد از زندان آزادشدم. در اساق

می‌آمدند و تمام صفحات روزنامه‌ها را پیش از چاپ می‌خواندند و اجازه چاپ می‌دادند، یا البته فضای تنفسی وجود داشت. نمی‌توانیم بگویم هشاری سیاسی بهره‌براری از این فضا در مطبوعات نبود، چرا، بود اما جماعت و وجدان حرفتای، کم بود.

مرحله جابجایی يك پایه اجتماعی بود دیگر، و مالکیت بزرگ که محور قدرت دوران قاجار و پهلوی تا پایان سال ۲۲ بود داشت زیر و رو میشد. يك دوره ۱۵۰ ساله ۱۶۰ ساله داشت پایان میافتد. بسک تحویلی داشت در مسئله مالکیت در ایران بوجهود می‌آمد که شناخت و درک آن برای جامعه ضروری بود. آگاهی ذهنی جامعه باید پیش شرط چنین تفکلی پیش نیامد. اما تمام تلاش صرف این میشد که جامعه نماند چه دارد اتفاق می‌افتد. يك مورد را که به روزنامه گیان برمیگشت در همان زمانها یکسال جلوتر و یکسال عقب تر نقل می‌کنم: تاریخ مشخصی برایم مطرح نیست، تقسیم بندی زمانی مهم است بگویی خبری از خبرنگار روزنامه گیان در اراک که روزنامه می‌رسد که خرس دخترتری را از آبادی نزدیک شهر زردبند و در دامنه کوه توری غار نگهداشته است. دکتر صباغ زاده دستور میدهد مرکب از یک پیکروری، يك عکاس و شیخ مصطفی رحمتی، به محل عزیمت کنند و دنبال کنند، چرا که خبر نامر و جنجال برانگیز است. در اراک خبرنگار میگوید این خبرا من از روستائی های فلانجا شنیده ام، تازه منم آنستامی می‌بوند به محل روستائی که نشان داده است. اما... نیست و می‌گویند که این خبر از بورجر رسید، و شش ماه پیش اتفاق افتاده، بودند بورجر با کلک نمانیده، در ا پنا می‌کنند و به روستا معلوم میشود شمیر این نیست و واقعه دیگری است که حکومت با تمام قدرت مانع بخش آن شده است: در شرایط اجرای اصلاحات ارضی در کشور در این روستا که به یکی از خانههای بزرگ تعلق داشت و این معلوم میشود مجلس سبده آسیابان که از شهر برگشته بود و از رادبو حرفتای شنیده بود با چند نفر دیگر سراساپ درباره آنچه شنیده بود بحث می‌کنند. خبر به ارباب می‌رسد، دستور میدهد، دم گویب، او را که با جوالی آمد، به تویی ازجولو خانه اربابی رد شده، بخون خانه بکشد و من ستن دهلخیز خانه آویزان کند و آسیابان را آتقور میزنند که زیر ضربات می‌میرد، در این ماجرا مواروهای اندام هم حضور می‌یابد، شرکت داشته اند. همان شبه لاشه آسیابان را در گوشه قبرستان چال می‌کنند و روستی را می‌باشند و جوال آرد را هم می‌سزد وسط بیابان، يك جائی رها می‌کنند. روز بعد معلوم میشود آسیابان که شد است و حرجا می‌گردند از آن خوری پیدا نمی‌کنند تا بالاخره، قمر تازه را می‌کنند و جوال را کشت می‌گردند. زاناداری با تهدید خانواده مقتول سعی می‌کنند روی جنایت را بوشانند، کسی از خوشان آسانان در شهر موضوع را دنبال می‌کند. باربرین به محل می‌آید، و یونده قتل تشکیل میشود. زاناداری برای اذخاسواده مقتول را بازداشت می‌کند که اینها در قتل داسواست دانشانند. دادگستری با فشار فرماندار و سازمان امنیت

تن دادند به نزدیک شدن به روحانیت مذهبی، و رفتند بطرف پیوند زدن با مذهب و در همین مسیر حلالا می‌سرم به نظفه طریقی. خوب دوران خوزی بازده بود و یقین يك سازمان مارکسیستی اگر در ایران وجود می‌داشت به تشکیلات مارکسیستی، خیلی مسائل فرق می‌کرد. منتها دیگر در ایران تشکیلات مارکسیستی نبود و تنها چیزی که رهبریات ادای رهبری حزب مارکسیستی را داشت از بنیاد بهم ریخته بود و زیر آوار نمانده بود، افراد بارگنده دارای تفکر مارکسیستی بودند ولی در مبارزهای اصلاحی و باصلاح اعترافی از گوشه و نقی فعالی نداشتند و نمی‌توانستند داشته باشند. نتیجه این شد که خانها و ملاکینی که تا دیروز طبقه حاکمه را تشکیل می‌دادند حالا بعنوان اپوزیسیون شریک روشنگران در مبارزه با به صحنه گانگشتند و ایسن حضور يك چنان حضور منشویی بود که انگات شاه را در سرکوب حوادث بطوری که بعد خواهد دید بسیار تقویت کرد. بحث برای کشور ما آزمون تنها این نبود که باید اصلاحات ارضی بشود بلکه اینهم بود که نظامی که درطول تاریخ مدافع مالکیت ارضی بزرگ در ایران بوده هم باید ساقت بشود و پایه اصلی ایسن نظام خود شاه بود و بعد روحانیت، حالا او باقتیر موضع و جابجاشدن، عانی قرار گرفته بود که بنسبوان بطور اصلاح طلبی در ایران عمل می‌کرد و کاتیکه پایه حکومتی را تا دیروز تشکیل می‌دادند به اپوزیسیون که ۱۰ سال بود زیر پاشنه آهشین کودتا له و لوردمشده بود، می‌بستند، انقلابی خالی از محتوی و بسیار ساده لوحانه که به انحرافات معدی کشید، صورت گرفت و کاتیکه ۲۸ مرداد سال ۲۲ در حمایت از شاه در برابر مردم ایستاد یعنی روحانیت قم به به صحنه مبارزه با شاه می‌بوشند. این مراحل به این سادگی پیش نیامد زمان زمان برترجری بود و خیلی وقایع بیعت آمد. نکته ظریف اینست که با اینکه دوره دکتر امینی ظاهرا فضای تنفسی برای مطبوعات بود و دلیل این فضای تنفسی آن بود که تشادهای داخل طبقه حاکمه تشدید شده بود و مطبوعات می‌توانستند کم و بیش در فضای سیاسی حضور پیدا کنند و به این اعتبار میشد حرفتای ز، اما به موازاتش در همان زمانها سه شدت موابط بودند مطبوعاتی را که بوی چپ می‌داد، تعطیل کنند، و مانع انتشار روزنامه یا مجله "میک" شوند. در همین زمان روزنامه‌ای بنام آذربایجان منتشر میشد که با سردبیرش آشنائی داشتیم و من شمعی دربار" انقلاب سفید" رو آجا دارم که ضوون اینست! این دوره که از دوکش های کاخ بزرگ بلند شده و به آسان می‌رود شعله آتششان نیست دود آتیزخانه کاخ است. انقلاب ضفون و محتوای خوزی را دارد. انقلاب که سرگیری که می‌بوشاند. هرچه کاخ است صفا انحرافهای که می‌بوشاند. هرچه کاخ است فروسخواد و هرچه کوخ است ویران میشود. و تاکید روی اینکه چشمپان را باز کند این سروضا، انقلاب نیست. این روزنامه را بعد از مدتی انتشارش را لنو کردند. ماحصل شرایط زمانی طوری بود که يك فضای تنفسی در هر صورت داشتیم و این فضای تنفسی توی روزنامه‌ها بخوبی وجود داشت، باآنکه در دوره دکتر امینی نبود که نماینده‌های سانسور، تا هیات تجربه روزنامه‌ها،

عمومی متوجه شدن که رئیس جمهور آمریکا عوض شده است و با تغییر او، پیونده ما هم بسته شد. این آقا الان در ایران هست، برپروسی است، در آژون و باین شرایط تنها جبهه ملی فعال بود که بنابر خاستگاه طبقاتیش توانست از موفقیت استفاده کند، چه هم ملی باشد. ابتکار اصلاحات ارضی را بدست میگرفت و نمی‌گذاشت شاه نقی صلح اجنبی را بعهده بگیرد، اما شروع کرد به مخالفت با تزهائیکه اصالتا روشنفکرانه بود، اصالتا آزادیخواهانه بود، اصالتا دمکراتیک بود ولی بدست کسی افتاده بود که میخواست از آنها علیه حقوق مردم و آزادی حاکمیت ملی استفاده کند: از آزادی زن، آزادی سالن و ویتزین بوجود بیآورد نه آزادی برای زن ستمدیده و محروم ایرانی. همین راه را، در ظاهر به نافع از حقوق کار و ترویج سندیگه. لیس، در نحوه اجرای اصلاحات ارضی، و دیگر شئون اجتماعی بروی شاه بازکرد. ابتکار اجرای برنامه اصلاحات ارضی که بدست شاه افتاد جاهائی که مشمول اصلاحات ارضی نشد اطلاق شاه و خانوادنانی بود. اصلاح نخست وزیر امینی بود و املاک اسدله علم بود و از برای شاه که از طریق اجرای برنامه اصلاحات ارضی و این قبیل، علاوه براین اصلاحات ارضی دروازتی شد برای شاه که از منابع طبیعی کشور آن قسمت از منابع ملی اعلام کردن مابقی طبیعی کشور آن قسمت از منابع طبیعی کشور را که پشش توانسته بود به مالکیت خودش دربیآورد دست رویش بگذارد و این بعدها کاملا در مازندران و سایر مناطق شهید بود و به چشم می‌آمد. قیامل و قتی که در سال ۲۴-۲۲ دولت شروع کرد به فروش جنگلهای مرده در شمال، واین جنگلهای مرده در شمال جنگلهائی بودند که اغلب در تصرف خانها و فئودالیهای منطقه بودند و دولت ملی اسلام کرد بود اما خندمدار اینست که آنچه را که برای آباد کردن این جنگلهای مرده، دولت به مردم می‌فروخت ویول میگرفت و سند رسمی میداد و تکیه می‌کردند برای سرمایه گذاری و آبادکردن محل، سرو گله يك اناره نظامی بود، میشد که سرهنگان در راس آن بود و بعنوان نماینده املاک پهلوی اتنا می‌کرد این قطعه که دولت بشما فروخته، متعلق به شخصی رضاشاه بوده و ملك می‌بوشا می‌پهلوی است و از آنها متصاب با محل، مطالبه متری ۵ ریال تا ۲۵ ریال حق خاصه ورثه پهلوی را می‌کشد، و بعد از وصول گواهی بعنوان انتقال، میداد! آدمیکه مدعی اجرای برنامه اصلاحات ارضی بود، يك چنین حقی در منابع طبیعی ملی شده برای خودش بوشود. آنچه بود این، يك گوشه از ماجرای اصلاحات ارضی شاه بود. بحث در کل ماجرا، موضوع دیگریست: از طرف دیگر این خطای اندیشه و خطای انتخاب موضع در آن شرایط راه را برای حضور ارتجاعی خطرناکتر از شاه در ایران هموار کرده بود و آن ارتجاع مذهبی بود، اگر شما دقت کنید اعلامیهای که خمینی داد علیه شاه، علیه شاه نبود. علیه ۲ اصل از اصولی بود که شاه به نام انقلاب سفید مطرح کرده بود. ۱- اصلاحات ارضی که خمینی میگفت به حرم حقوق مالکیت که حقوق شناخته شده الهی و اسلامی هست تخطی شده و دوم به مسئله آزادی زن و حقوق برابرین زن با مرد. مسئله خمینی با شاه این بود بود روشنفکران روی صحنه نازل از آنچه بدست این شعارها هست

در نخستین

سالگرد خاموشی "محبوبی"

از طرف کانون نویسندگان ایران (در تمعید امرا) -
سرم در نخستین سالگرد خاموشی محجوبی طنزنویس و
چهره سرشناس مطبوعات ایران، در تاریخ ۸ سپتامبر
در لندن برگزار شد. رشا مریزان تحت عنوان "نقش
مطبوعات در دفاع از آزادی" سخنرانی کرد. اومیا،
شاهستان و خرسندی نیز در این شب برنامه‌هایی اجرا
کردند.



من آن پیکری روان شدم
مرگم گیسوی من شدم
که من زنده در پیکر مردم
اگر چند روز داشتم گنم

منوچهر محبوبی

طنزنویس

۱۳۶۸-۱۳۱۵

اگر امینی نباشد ۴۲ میلیون دلار پرداخت نشود این
خلی نزدیک تراست حتی از موقعیک خوب برنامه را
داده و برنامه‌های رانثا قبول کرده‌اند که اجرا بشود،
اینجا دفاع مستقیم از يك عامل است منتها توجهی که
آخترف میشود يك توجهی شخصی نیست توجهی طبقاتی
است و بطور کلی بیکر و سپای طبقه حاکم است در
ایران. کاشیکه در بالا نشسته بودند اینطور خودشان
را توجهیه میکنند، بهرحال در این مراحل بود که سه
تکراری پیش آمد البته خیلی مسائل فراوان بود. ایران
زمان برواقنه و برحادثه بوده و به یقین چیزهایی
فراوان آدمی مثل بختیار را که نظیر ستم و شکنجه
بود و در موضع طبقاتی مالکتهای بزرگ هم قرار داشت
از سر سازمان امنیت برآمدند و مرضی گرفت و اجازه
گرفت و به اروپا رفت. بختیار زمانی از ایران رفت
که بعد از چند ماه هم دکتر امینی رفت شاه به
خواهی امینی بختیار را از کار برداشت و بعد سه
خواهی خوش امینی را گذاشت کار یعنی مانیمن
کومنتاری را از بیخ و میرهانش که قابل اعتنا بود
پاک کرد. کابینه علم تشکیل شد اما حسن ارسنجانی
بعنوان عامل مغز متفکر برنامه اصلاحات ارضی باقی
ماند. بعد جای ارسنجانی را در کابینه‌های بعد از علم
توابع سازمان امنیت گرفتند. اولین جاشین ارسنجانی
سرگرد سازمان امنیت بود که زیر پوشش سپهد عامل
اصلی وزارت خانه بود. سرگرد ولیان اسیری خسن و
گنکاخ بود در وزارت کشاورزی. بعد تجزیه شد و به
وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی تقسیم نام
داد. به این صورت جلو رفت تا مرحله سرتیپی رسید
و وزیر شد و بعد از ۷-۸ سال وزارت به استانیاری
خراسان رفت. امینی رفت و برنامه اصلاحات ارضی دنبال
شد و شاه، ارسنجانی را تا جانتان برنامه اصلاحات
ارضی نگاهداشت و بعد ارسنجانی سفر ایران برانثا
شد. یکسال هم برگشت با بهاری قلبی برگشت اما شاه
اجازه نداد برای بیماری برود به خارج تا سکنه کرد و
مرد ۲ سال بعد این ماحصل سوزش يك روزنامه
نویس برارزش بود. ارسنجانی مسافانه روزنامه نویسی
بزرگ در خدمت ارتجاع ایران بود. اینک میگویم بزرگ،
عنت نمیکوم، کافیتس دوره روزنامه دارها را ببینید
و مرور کنید و به ببینید چقدر خوب بود اگر در خدمت
مردم ایران قرار میگرفت و چقدر بد شد که به انحراف
کشانده شد. ارسنجانی در ارتباط با طبقه حاکمه ایران
چنین حالتی داشت: او از نزدیکترین دوستان سلطانی
نابانده معروف بهمان بود که از ارگان محافظه کاران
پارلمان بود در حکومت بعد از ۱۳۲۰. خندیم که
سال ۲۱ ارسنجانی کابینال مارکس را بنام "راس المال"
(عربی کابینال: سرمایه) زیر بنفش بزند و صورت هفت
ای دو روز صحفا در خانه سلطانی و سلطانی
کتاب راس المال را بخواندند. ایران ارتباط نگذاشت با
طبقه حاکمه سعی میکند به آنها نشان بدهد که کجا
عستند، و زمان کجاست. من عنوان يك روزنامه نویسی
با این چشم ارسنجانی را ندیدم و اس راسخا اضافه
کم که ارسنجانی وقتی که به کاسنه رفت معروف بود
از دولت حقوق نمگورد برای اینکه شایور حقوقی بود
کسانی شد آمریکا در آفریقا بود.

ادامه دارد

برونده را بایگانی میکند و بعد کسانی که امنیت از
این واقعه باخبر شدند از طرف سازمان امنیت باز-
داشت میشوند. از جمله منصور فریدانرحمل عیانت
اترایی روزنامه گیان را وقتیکه به شهر باز میگردد،
توقیف میکنند، و فریداندر میگوید شاران نمی‌کاریم اربانجا
بروید مگر اینکه تمهد بسیاری که از آنچه شنیدید-
چیزی به زبان نیاورید. و باگرفت تمهد اربانجا آزادان
مکنند و هیات بر میگردد و گزارش سفری را میدهد و دکتر
صباح زاده هم به احترام دوستی بان مالک که سالها
وکیل مجلس بود، گزارش سفر را بایگانی میکند. حکومتی
با این صلات و انسجام خندهضاتی معیست که اصلاحات
ارضی را انجام میدهد، و اربارشی هم سازمان امنیت،
زاندراری، فرمانداری و دادگستری است. شاه دیدیکه سه
ارسنجانی اجازه نداد جناب زاندراری را در حومه تهران
در حق تقفانقا منتشر کند و میگفت این خبر دهقانها
را علیه مایران من، زاندراری می شود، و این همان زاندرار-
بری است که فریان شاه را اجرا میکند. حدود آزادی
مطبوعات و فضای باز مطبوعات هم ایستد که خبرنگار
سرود جنابان را کتف میکند و می‌آید ولی گزارش او
منمکی نمیشود. من یکسال بعد از این اتفاق در سندیکا
باخبر شدم، در همین حال همانطوریکه قفلا عوی کریم در
روزنامه‌ها در دوره دکتر امینی مایور سانسور در هیات
تحریریه نشسته بود چون مسائل دانشگاهی زیاد بود،
برخوردهای شهری زیاد بود و تظاهرات مذهبی زیاد
بود و تظاهرات و فعالیت خانها و مالکین بزرگ زیاد
بود و حکومت برای سانسور مطبوعات از نزدیک
در تحریریه‌ها مایور گذاشته بودند. اغلب این مایوران
سانسور را هم سازمان امنیت و وزارت اطلاعات از
وزارت فرهنگ درخشن وام گرفته بودند و اضافی باشک
او بودند. خاطره من از این مایورهای سانسور زیاد
است از جمله یکی که سابقه روزنامه نویسی هم داشت،
هر روز خواهش میکرد التماس میکرد و ریش گرو می-
گذاشت که شما که میدانید من نمیفهم، چه کار میکنید،
روزنامه نویس هستم و راه کار را بلدید، فقط يك
خواهش دارم آن پنجگی که شگارید توی نوشته‌ها که
من نفهم يك کمی پیچیده ترش کنید که آن کسی هم
که بالای سر من نشسته نفهمد و بعد از من باز
خواست نکند چون من ازتان خوردن مسافتم. دستانه
در خدمت وزارت اطلاعات قرارگرفته بودند علاوه برحقون
دسری که داشتند بابت ساعت هائی که به سانسور
مطبوعات می‌آوردند روزانه مزد میگرفتند. حتی بعضی از
همینا وکل مجلس هم خندند.

من از این ویژه تر هم برامان شریف منکم
در جریان برخورد شاه و امینی وقتی که شاه زربایش
را محکم کرد و دید که دیگر در خارجه با مالکتهای
بزرگی که قفلا در قوه بقنه و در حکومت بودند بی-
زقیب شده و متوابع نه ارشش و حکومتی به مائشن
دولتتاری تنکه کند جلوی امسی اسامد و به آمریکاست
این زیاد است در مقابل آمریکا کرکشی کرد یعنی
دراثرمان ایران سالانه ۱۰ میلیون دلار ۱۲ میلیون
دلار کمک اقتصادی از آمریکا میگرفت برای نامس کسر
سودجه کشور که قفلا با هم محبت کردنام. یکسار
برداخت ۲۴ مسلون دلار را نه ایران حکومت کسندی
نوکول کرد نه اینکه دکتر امینی حمت زیر باشد و

پیام دفتر سیاسی به سومین

کنفرانس سازمان خارج از کشور

رفقا :

بنفاسست برگزاری سومین کنفرانس سازمان خارج از کشور به شما و همه فعالین خارج از کشور درود فرستاده و برای کار کنفرانس آرزوی موفقیت می‌نمایم .

سومین کنفرانس سازمان خارج در شرایطی تشکیکب میشود که جنبش کمونیستی و کارگری در برابریکی از حادترین بحرانهای سراسر دوره موجودیت خود قرار گرفته است . ما بر آنیم که این بحران ، بحران الگویی مبنایی از سویالیسم است که با آنچه بنیان گذاران سویالیسم علمی بعنوان مختصات اصلی جامعه سویالیستی تریسم نموده بودند فاصله گرفته است . اما این بحران در همان حال شاهد بازسازی سویالیسم است که بنویه خسود میتواند بدیل ارزنده‌ای از تلفیق آزادی ، عدالت اجتماعی و همبستگی بین‌المللی در برابر نظام پوسیده سرمایه‌داری نهاده و زمینه را برای تقویت جنبش کارگری مساعد سازد .

در چنین شرایطی کمونیستهای ایران وظیفه دارندس بازمبینی شوربیک را با پیشکار بی‌وقفه علیه رژیم ارتجاعی ولایت فقیه پیوند زنده ، تئوری سویالیسم علمی در طول یک قرن و نیم اخیر توانسته است عظیم‌ترین جنبش اجتماعی در سراسر کیتی را بحرکت در آورد ، بررسی تحول اندیشه در جنبش کارگری گواه این حقیقت است که تکامل تئوری از جمله در دوره‌های بحران همسواره حاضر نیز باید تمام تلاشی ما در زمینه وظایفی که بحران جنبش کمونیستی در برابرمان قرار میدهد در رابطه تنگاتنگ و غیر قابل کسست مبارزه علیه جمهوری اسلامی و شکل دادن به جنبش کارگری بنیانه ستون اصلی بیگار علیه ارتجاع ولایت فقیه انجام پذیرد . .

کنگره سازمان نیز در متن چنین اوضاع ظعیسر حساسی در حال تدارک است . اکنون در سازمان ما همه ابزار ضروری برای شرکت رفا در مباحثات فراهم‌شده است . باید از طریق شرکت فعال و همگانی همه رفا در مباحثات مربوط به کنگره ، اولین کنگره سازمان را بسپه نقطه عطف سهمی برای حرکت آینده‌مان تبدیل سازیم !

رفقا ، فعالیت در خارج از کشور در شرایطی کسه وظایف مرکزی هرچه بیشتر از وظایف کمیته خسارخ از کشور تفکیک میشود بیش از هر زمان باید با محیط و وجه مشخصات دوره‌ای که در آن قرار داریم انطباقی باید روند استقرار و نیروهای خارج از کشور با محیطی که باید در آن فعالیت کمونیستی و انقلابی خود را انجام دهند ادامه دارد . ما این روند را مثبت ارزیابی می‌نمایم ویر آنیم که نیروهای سازمان خارج از کشور باید از همه

سازمان قرار گیرد و بهیچ وجه به محلی برای توجیسه انفعال و انضباط‌گریزی مبدل نگردد .

در عرصه فعالیت در خارج از کشور نیز چند نکته لازم به تاکید است . در شرایط حاضر فعالیت کمونیستی در خارج رچ از کشور توجه ویژه به امر ترویج و شکل دادن به محافسل ترویجی را میطلبد . این محافسل باید توسط حوزه‌های حزبی سازمان داده شده و به مکانی برای گسترش ارتباط و تسادف فکری زنده با طیف وسیع اما پراکنده سازمان باقیاتسه فعالین چپ تبدیل شود . در چنین ارتباط فاعالی است که رفقای سازمان میتوانند بطور منظم و زنده بر روند عملکرد بحران کمونی جنبش کمونیستی در میان فعالین چپ منشا اثر شده و حوزه‌های حزبی را به سمت واکنش فعال در قبال تحولات فکری جاری در بین نیروهای چپ سوق دهند . شی‌یکی از مظاهر هر کار برشمسر در شرایط حاضر عطف توجه به سازمان دهی این محافسل است که باید در شمار وظایف مهم اعضا سازمان خارج قرار گیرد . دوره کنوئی تشکیل‌دهی عمومی دمکراتیک بعنوان پایگاه تجمع و تشکل و مبارزه سازمان باقیاتسه برای پشتیبانی از جنبش داخلی کشور خود را با تدافعی و مروج این تشکلهای بوده و باید در دوره حاضر نیز با تمام قوا در جهت ایجاد قوام و گسترش آنها بکوشد .

فعالیت بین‌المللی از ستونهای اصلی فعالیت رفقای سازمان خارج از کشور است . و باید در وجه بنیادین فعا لیت در خارج از کشور تبدیل شود . ما باید فعالانه در مبارزات محل سکونت خود شرکت جستته با احزاب ، سازمانها و محافسل مترقی تمام برقرار کرده و حمایت آنها را در دفاع از مبارزات طبقه کارگر و زحمتکسان ایران و از فعالیتهای سازمان چلب تمامیم و بالاخره ترویج وسیع نشریه مرکزی و انتشارات سازمان از وظایف مهم هر عضو است که باید مستقلانه مورد تاکید قرار گیرد .

ترویج نشریه نه تنها از طریق میزهای کتاب بلکه بسا بهره‌برداری از همه امکانات و بویژه ترویج آن توسط رفقای عضو در مناسبات توده‌ای است که میتواند گسترش یابد .

رفقا ، سازمان ما که با در دوازدهمین سال فعالیت خود نیهاده است همواره خود را مدیون عهداتی میباشد که از طریق نثار زندگی کرانقر خود شاهد زنده‌فاداری ما به امر آزادی و سویالیسم بوده‌اند . ما یاد و خاطره جاودشان با الهام از عهد خونشان بیگبار بر خروشان را تا روز فرخنده آزادی و تاسا سویالیسم این غریب‌ترین آرمان بشری می‌خواهیم گرفت !

درود بر خاطره همیشه جاوید شهدای راه آزادی و سویالیسم مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی زنده باد آزادی زنده باد سویالیسم دفتر سیاسی - ۵ شهریور ۱۳۶۹

یک اقدام جنایتکارانه

خاتم عفت قاضی فرزند قاضی محمد بنیانگساز جمهوری آزاد مهاباد ، دستامیر در شهر ۲۰: ۷۳۴۴ سوئد بر اثر انفجار بمب باکتی به شهادت رسید . در واقع هدف اصلی ترور ، امیر قاضی شوهر عفت قاضی یکی از رهبران سابق حزب دمکرات کردستان ایران بود . بسا پیش تصاویر این فاجعه و مصاحبه با امیر قاضی و برخی دیگر از نزدیکان شهید موسیله رادو تلویزیون سوئد دیگر جای هیچگونه شکی برای افکار عمومی سوئد باقی نماند ، که این جنایت را مزدوران جمهوری اسلامی در سفارت ایران در استکهلم سازماندهی کرده‌اند . روز ۲۲ سپتامبر گروه‌های وسیعی از ایرانیان از شهرهای اطراف به شهر ۲۰: ۷۳۴۴ آمده بودند تا ضمن ابراز تازار عمیق از این جنایت مراتب معذردی خود را با خانواده شهید اعلام کنند . جمعیتی بالغ بر هزار نفر با صفوف منظم و دسته گل‌های متعدد در حرکت بودند . طبل‌ها آهنگ عزای می‌نواختند و دو دختر شهید عفت قاضی همراه با پدرشان در شبایش عطف حرکت میکردند و ایسن حالت تاسف و تأثر همه بینندگان را برمی‌انگیخت و کینه‌شان را علیه جنایتکارانی که بشترمانه دست بسه اقداماتی چنین شد انسانی میزنند ، عمیق‌تر میکرد .



جهل تاریکی است

جهل تاریکی است
تاریکی مرگ : -

زیر خورشید نوشتن بر خاک
سادگی را ، گل مرهم شد
و غم ، کم شد
کم شد
شد . (

بشت این پنجره در تاریکی
مثل این است که از شاخه گلی می‌چینند
گوش کن می‌شوی ؟

جهل تاریکی است
تاریکی مرگ



امکانست در دستنتری سراسر فسررا -
گیری زبان ، تحصیل و کار استفاده نمایند . اما مسلم است
که اینهمه باید در خدمت اهداف کمونیستی و انقلابی

برنامه اصلاحات اقتصادی در شوروی

— (طرح شاتلین) —

ادامه از صفحه ۱

نهایت اقتصادی برای شیردندان، سنگاها و سایر منابعی است که در خارج می باشد.

میانگین تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۶۵ نسبت به سال ۱۹۶۰ حدود ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. این امر به دلیل افزایش تولید در بخش های مختلف است. در سال ۱۹۶۵ تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

مرحله سوم: این مرحله اساساً متوجه تحقق مکانیسم های بازار است. در این مرحله جمع آوری نقدی می شود و مدل آن به سرمایه موده نهوه خصوصی کردن نگاهیه سه حرام سمد، آنگاه سجد کردن سن انداز ها و سایر امور است.

مرحله چهارم: در صورت غلبه روحان ساختاری، در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله پنجم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله ششم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله هفتم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله هشتم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله نهم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله دهم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله یازدهم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله بیستم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله سی و یکم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله سی و دوم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله سی و سوم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله سی و چهارم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله سی و پنجم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله سی و ششم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله سی و هفتم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله سی و هشتم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

مرحله سی و نهم: در این مرحله گام های اساسی برای ایجاد اقتصاد بازار است.

گنبد، اینکه چکس خاخر است بول خود اصراف خرید سنگاها و رکت گنبد خود شوال دیگر است اما اداره این سنگاها از دستن میورکراسی سی کفایت دولتی بدست نیگسه های داخلی و یانبای اقتصادی به توده تولیدکننده خواهد شد.

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تولید در بخش های مختلف به شرح زیر است:

تصحیح و پوشش

در رابطه با محتوای این مقاله در شماره ۲۳ شماره ۱۱ اصلاحات ۱۳۶۹ تصحیح می شود:

بیم کارگر شماره ۶۶، صفحه ۲۳، ستون ۱۱ اصلاحات ۱۳۶۹ تصحیح می شود.

مجاهدان "صحیح نیست، حذف شود.

۲۰۰ نفر از زندانان در سپهر ماه در گوهر دشت به اوس منتقل شدند در زمان قد شده.

محمد علی بزمان آکاگو از رفقای سازمان سیکار بود.

سوال کننده از من تقصیر "سری" بود.

در پیام شماره ۶۷، "من در بخش فریبشده باید نوشته شود" ما در بخش فریبشده چرا که سه تن، بلکه سه نامزدانان بد فریبشده در تحمیل شده است. به نامزدانان و مسئولان زندان متذکرانند.

.....

گزارشی از سمینار زنان

سمینار تشکلهای زنان از تاریخ ۲۲ تا ۲۴ سپتامبر در شهر هانوفر آلمان در حال برگزاری است. شرکت کنندگان در سمینار اساساً از فعالین تشکلهای زنان در برخی از کشورهای آلمان اتریش و هلند بودند. تعدادی از زنان که حضور یافته فعالیت میکنند نیز در سمینار شرکت داشتند. «تم سمینار» بررسی بحران در جنبش فمینیستی زنان ایرانی در خارج از کشور را اعلام شده بود. در مورد تم سمینار برخی بر آن بودند که اطلاق بحران به وضعیت کنونی فعالیت زنان و یک امر واقعی نیست، بلکه درست تر آنست که از «رکود فعالیت» در جنبش زنان ایرانی در خارج از کشور نام برده شود. این سخن گرایش اعتقاد داشت که فعالین زن نتوانستند پیوندهای لازم را با زنان ایرانی در خارج از کشور ایجاد کنند. همچنین قادر نشدند مسائل و مشکلات زنان در داخل کشور را به افکار عمومی کشورهای میزبان خود بیان تاب دهند. بر این امر نیز تأکید شد که فعالیت زنان بلك فعالیت سیاسی است و هر اقدام کوچک و ابتدائی زنان مضمون سیاسی پیدا کرده است. مستقیماً با رژیم جمهوری اسلامی درگیر میشود. بلك گرایش دیگر، در سمینار که نسبتاً گرایش ضعیفی بود، فعالیت زنان را عمدتاً بلك فعالیت اجتماعی - فرهنگی خصلت بندی میکرد. اما ماتسانه سمینار جمع بندی جمعی از بحث های خود به عمل نیامد. دلیلش که برای غیر ضروری بودن جمعیت عنوان شد تنوع نظرات طرح شده در سمینار و عدم امکان مناسب از بحث مآل بود. اما اگر این دیگری با این نظر مخالف بود و اعتقاد داشت این کار می تواند صورت پذیرد و لازم است. آنجا که با این نظرموافق بودند جلسه سمینار را ادامه دادند و دلایل رکود فعالیت را جنبش فرمول بندی کردند: - عدم توانائی در منطبق کردن خواسته ها و ایده ها با محیط فعالیت. عدم برنامه ریزی، عدم تجربه و فرهنگ کار جمعی - تائیسر بحران عمومی کشورهای شرق و جنبش ایرانیان در خارج از کشور در جنبش زنان - عدم شور و جوش و آمزش - فعالیتهای فمینیستی، وابستگی سنتی و خانوادگی و تبلیغات منفی علیه تشکلهای زنان در محیط، برای مقابله با وضعیت رکود پیشنها داتی به این صورت مطرح شد: در آوردن نشریه برای سری بمنظور آموزش بیشران و جنبش زنان - کار و ارتباط گری با سازمانهای غیر ایرانی - مبارزه جهت برسیست شناختن حق بنهاندگی زنان بدلیل تبعیضات جنسی - کارشناسی و تحقیقی در زمینه مسائل و موضوعات زنان و مطرح کردن مسائل زنان ایران در مجامع بین المللی.

تم سمینار آئینه حیل و محور تعیین شد. ۱ - عمل جدائی هادر خارج از کشور ۲ - رابطه شعور جنسی و فمینیسم با آن. همچنین قرار شد که سمینار بعدی در هلند برگزار شود.

يك خبر ورزشی

در دومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در زندان های جمهوری اسلامی کمیته ورزشی «شورای بنهاندگان و آوارگان ایرانی پاکستان - کراچی» اقدام به برگزاری يك دوره مسابقات فوتبال كل كوچك تحت عنوان «بسا دواره شهدا» و در حمایت از زندانیان سیاسی در بندها شرکت تعدادی از بنهاندگان کرد.

در این رقابتها ۱۰ تیم از بنهاندگان ایرانی و دو تیم از پاکستان شرکت داشتند. در پایان جوایز ایندوره از باربها توسط کمیته ورزشی شورای بنهاندگان اعدا گردید.

معرفی کتاب

غوغای سکوت

زبان

بر آنچه به گویش مجاز نیست

می چرخد

گوشت

کلام نگاشته می شود

و چشم

کلام نا نوشته می خواند.

سکوت

مصلحتی است

تا بیگانه خیال نکند

کلام دوستی ما با اوست.

ورنه، جهان من

همه

آن غوغاست،

که تمام شب

ماه

با دسته های ستاره تکرار می کند.

۴ پیوند

"مزمه های گم"، شعرهای کوتاه "محمد فلکی"، توسط انتشارات نوید منتشر شد. این کتاب که در قطع جیبی منتشر شده است شامل شعرهای "ماشقانه ها"، "غریبانه ها" و "گانه ها" است - از غریبانه ها شب بخواب. نیم، برای با تو بودن کلهای قالی اتاقم را می پیمای وطن، کلهای قالی چه خوبند که آب نمی جویند، چرا که سیراب دستهای آشنای دورند * * *

غزیت

کلدان کوچکیست

میزبان درختی بزرگ

از محمود فلکی پیش از این منتشر شده است: تجارت برده (ترجمه)، اثر آن مانتفیلد. تهران ۱۳۵۷. خانه بسر پیگر گندم (شعر)، تهران ۱۳۵۷. انسان آرزوی بر نیامده (شعر)، آلمان غربی ۱۳۶۶. پرواز در چاه (داستان)، آلمان غربی ۱۳۶۶. موسیقی در شعر سبید فارسی (پژوهشی)، آلمان غربی ۱۳۶۸. برای فلکی در کارهای هنری - آرزوی موفقیت داریم.

—————

از م. پیونده، "در شبانه بی خویش" منتشر شد. " در شبانه بی خویش، مجموعه اشعار م. پیونده است که شعر - های سالهای ۶۷ تا ۶۹ او را در برمیگیرد. این کتاب با طرحیابی از اسفند داوری توسط انتشارات "ندا" در بهار ۶۹ منتشر شده است.

"اگر که باید تسخیرم کنی" (ترجمه)، اثر بریش نادی شاعر هندی. باریس ۱۳۶۶. ترانه ماه (شعر) تابستان ۶۸. کبابها و دانه ها تابستان ۶۸. از کارهای پیشین م. پیونده است. همچنان در اشتیاق تداوم تمر بخش فعالتهای هنری او هستیم.



زنان تیراندا را ایرانی در مسابقات آسیایی پکن!

اطلاعیه مشترک

سازمان فدا شدی - کمیته خارج کشور
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته خارج کشور

نوروز جانپنکارانه ملی گانه پیروز و ماحکوم می کنیم

مهرشان!

دشمنهای انبوه سه خون جمهوری اسلامی را در بستر جان سگی از رزمندگان راه آزادی و دموکراسی در ایران
را کمرت و این مار لعنتی گانگنه پور همو کشته مرکزی مرده مکررات کردستان ایران زهری انقلابی و مستول
منطقه شمال کردستان که برای دشمنان ما خواهد داد به ترکمه کرده بود. هدف شوروسم مردوران رژیم محمیسوری
اسلامی قرار گرفت.

سرتیق گرانیشی در باهت شده در سه شنبه رانسه ۲۲ مردانه ۱۳۶۹، سفر که دو نفر از آنها را وسعوم
پلیس ترکمه را سرش داشته، پلی گانگنه پور را از سره ما خواهد از سرودند و روز سه شنبه وی در حالیکه آشار
کنگنه سران بود و گلکله ای به سرش تلیک شده بود. در ماه فوسه به انگارا باخته شده

این جنایت رسانی در خارج از کشور روی مسند که ما بین شروع جمهوری اسلامی در داخل کشور نیز اعمال
شده و خبر چند شروع و دستگیریهای متعدد در شهرهای مختلف ایران در باهت شده است.

در کرمنا گوم جبران طلخ ما روی و در حالیکه حیوانی حکم سروران منطقه در حرکت است رژیم جمهوری اسلامی
با استفاده از شراب و پدیده شده و مخلوط شدن سو - حراسان به رویا دهانی منطقه، بی شمار و امتناعی ماکر
سرمایه سرکوب شده و سیاست دستگیری و شروع شهرهای سیاسی را کشت سخیده است.

در تمامی موارد شروع سرورها و رهبران اپورسورون رژیم حاکم بر ایران در کشورهای فارسی انگلیس
عبدالرحمن قاسملو، محمدالله نادری و سیمین سنگر در اطرش، همسایه های دو قریب، مدتی کما کسیر در
کردستان عراق - کاظم مردی در سریش (۴۰۰۰) - سیمیلی و سیاست مکتوب حکومتها و پلیس کشوری سرور در
سرور، عاملینهای شوروشی مردوران رژیم، یکی از عوامل همی است که انگار گسترش این شروع را برای
جمهوری اسلامی فراهم کرده و آزار برای انقلابات شوروشی سعی شوق نموده است.

ما امن محکوم نشود شروع حاکمانه ملی گانه پیروز و شوروشی دولتی رژیم جمهوری اسلامی - از
همه ما مع سن انقلابی میروا هم که دولت ترکمه از نخت نختار قرار دهفنا به دور از باج دهفهای رژیم
جمهوری اسلامی و خارج از روزگاری - اشتها ای سن دولتی - اسناد مربوط به این صابت و موافقت
با آن را برای مردم جهان افشا ساید.

مهرشان! سرورهای مترقی و انقلابی!

در جهت افشای هرچه بیشتر حقایق رژیم جمهوری اسلامی و بسیج افکار عمومی مردم و سرورهای دمکرات
و مترقی کشورهای فارسی و ابراه فشار به حکومت این کشورها در جهت خودداری از همکاری با رژیم جمهوری
اسلامی مستوران اولسین گام در راه مبارزه موثر با سیاستهای تروریستی رژیم، موافق خود را نکرده تر ساریم.

تلیسه شوروشم رژیم جمهوری اسلامی سیاخریم

سرگوم باد جمهوری اسلامی! سرگورا باد جمهوری دمکراتیک خلق!

۱۳۶۹/۸/۱۷ = ۱۳۶۹/۸/۱۷

تظاهرات ایستاده



روز شنبه ۲۹ سپتامبر بنیاست سالگرد ناجمه
اعلام زندانیان سیاسی در ایران، تظاهرات ایستادهای در
برابر کلیسای مرکزی شهر کلن برگزار گردید. اسپسین
نظارات که بیش از ۲۰۰ تن از خانوادههای زندانیان
سیاسی و ایرانیان مقیم کلن در آن شرکت داشتند،
بدعت حمایت دفاع از زندانیان سیاسی در کلن برگزار

شد. شرکت کنندگان ضمن حمل گنجا و نامهای شهیدی
اعلامی دستجمعی و بلاگرداشتی تر افشای رژیم
جنایتکار محمیسوری اسلامی، خواهان آزادی زندانیان سیاسی
و توقف دستگیری و اعلام در ایران بودند. این تظاهرات
با استقبال مردم محل رومو گردید.

اطلاعیه برگزاری

کنفرانس سوم سازمان خارج از کشور

در اواسط شهریور ماه گذشته سومین کنفرانس سازمان
خارج از کشور برگزار شد. در این کنفرانس که سه روز سه
درازا کشید بیش نویسی اسناد ارائه شده از طرف کمیته
خارج از کشور مورد بحث و نقد و بررسی نمایندگان
منتخب حوزهها قرار گرفت و با اصلاحات و اضافاتی سه
تصویب رسید. در روز آخر، کنفرانس کمیته خارج جدید
را انتخاب کرد و با خواندن سرود انترناسیونال به کسار
خود پایان داد.

بنیاست برگزاری کنفرانس سوم و اشتغالات مربوط
به تدارک آن و تغییرات ناشی از سازماندهی جدید کارها،
انتشار پیام کارگر در ماه شهریور مقبور نگردید. از این
بس پیام کارگر مطابق روال گذشته، هربانزده روز یکبار
منتشر خواهد شد.

کمیته خارج از کشور
۱۳۶۹ شهریور ۱۵



صدای کارگر

راه برای سازمان کارگران انقلابی ایران در ده افرا

برنامه های سراسری صدای کارگر:

هرشب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه
ردیف ۷۵ متربرابر با مگاهرتز پخش میشود.
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روزیبه تکرار
میکرد.

جمعه های برنامه ویژه پخش میشود.

برنامه های صدای کارگریه کردستان:

پژوههای شنبه، در شنبه چهارشنبه ساعت
۶ بعدازظهر به زبان کردی و فارسی روی موج
کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۲ مگاهرتز پخش
میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه
شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.
جمعه ها ساعت ۱ صبح برنامه ویژه
پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعدازظهر
جمعه تکرار میشود.

Postfach 650226

1 BERLIN 65

Postfach 1124

5200 Siegburg 1

W. Germany